

Explaining the Effect of Entrepreneurial Capability Dimensions on the Empowerment of Rural Women in Ramhormoz County

Z. Soltani¹, M. Goodarzi², S. Mosavi³

Abstract

Introduction

In recent years, rural development, as one of the key elements in achieving sustainable development, has attracted considerable attention in policymaking, development programs, and academic studies. Despite diverse natural, human, and cultural capacities, rural areas continue to face challenges such as poverty, unemployment, migration, livelihood instability, and declining social capital. These constraints not only reduce the quality of life of residents but also threaten the economic and social sustainability of these communities. Under such conditions, rural entrepreneurship, as a modern development strategy, can play a significant role in strengthening economic infrastructure, reducing poverty, creating employment, and enhancing the socio-economic resilience of rural areas.

Rural entrepreneurship is not limited merely to the establishment of small businesses; rather, it is a multidimensional process that, by utilizing local resources, indigenous knowledge, and social capital, enables the diversification of economic activities and reduces dependence on monoculture agriculture. Research has shown that the development of entrepreneurship in rural areas can contribute to the economic and social revitalization of these regions by creating new employment opportunities, reducing migration, and improving quality of life. However, achieving the real impact of entrepreneurship in rural contexts requires special attention to the characteristics and capacities of different social groups, particularly women.

Materials and Methods

The present study is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in nature and methodology. The statistical population of the study consists of women entrepreneurs residing in the rural areas of Ramhormoz County who, in recent years, have been engaged in entrepreneurship related to agricultural food products. According to the Department of Education and Extension of the Agricultural Jihad Organization of Ramhormoz County, the number of women entrepreneurs in the rural areas of this county is approximately 150. Given the limited size of this population, all individuals were selected as the study sample. The

1. Corresponding Author and Associate Professor of Geography and Rural Planning, Faculty of Lettes and Humanities, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. (z.soltani@scu.ac.ir)

2. Professor of Geography and Urban Planning, Faculty of Lettes and Humanities, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

3. MA student of Geography and Rural Planning, Faculty of Lettes and Humanities, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

sampling method was simple random sampling, and the research data were collected using a research instrument (questionnaire).

The instrument used in this study was a researcher-developed questionnaire, the validity of which was confirmed through content (face) validity and construct validity, while its reliability was verified using composite reliability. Both descriptive and inferential statistics were employed for data analysis. Accordingly, descriptive statistics were used to examine demographic characteristics and research variables, while the research questions were analyzed using a variance-based structural equation modeling (SEM) approach with the aid of SPSS and SmartPLS software. This approach enables the researcher to treat the main variables involved in the theoretical model as latent variables and to incorporate measurement errors into the estimation of parameters related to model testing, thereby resulting in more accurate and reliable estimates.

Results and Discussion

The findings of the present study indicate that entrepreneurial capabilities—including autonomy, innovativeness, risk-taking, and proactiveness—have a significant and positive effect on the empowerment of rural women in Ramhormoz County. This relationship was confirmed through path analysis, with a coefficient of 0.678 and statistical significance at the 0.001 level. In other words, the more rural women are empowered in these dimensions, the greater their ability to actively participate in economic and social processes, which in turn leads to increased economic independence, self-confidence, decision-making power, and social participation.

Considering the role of entrepreneurship in improving livelihoods and enhancing women's human capital, this finding highlights a practical pathway for the empowerment of rural women through the development of entrepreneurial skills and attitudes. The descriptive findings of the study also showed that a considerable proportion of the women surveyed—approximately 72%—are engaged in economic activities, and 66% have participated in entrepreneurship-related training courses. This, in itself, can provide a foundation for skill development and increased self-confidence among women, a notion that is consistent with the entrepreneurship literature emphasizing the role of education and learning in the development of women's individual and social capabilities.

Conclusions

The results of the study showed that strengthening entrepreneurial capabilities significantly contributes to increasing women's economic independence, decision-making power, and social participation. This empowerment process, in addition to improving household welfare and increasing income, challenges traditional gender norms, enhances women's leadership roles, and facilitates inclusive rural development. The present study emphasizes the importance of targeted entrepreneurship training, institutional support, and effective policymaking in empowering rural women and, by identifying influential factors and existing barriers, provides practical insights for policymakers and development organizations.

Keywords: Rural women, entrepreneurial capabilities, empowerment, sustainable development, Rāmhormoz County.

تبیین اثر ابعاد قابلیت‌های کارآفرینی بر توانمندسازی زنان روستایی شهرستان رامهرمز

زهره سلطانی^۱، مجید گودرزی^۲، سوسن موسوی^۳

چکیده

در سال‌های اخیر، توسعه روستایی به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی دستیابی به توسعه پایدار مطرح شده است و زنان روستایی به‌عنوان بازیگران اصلی اقتصاد محلی، انسجام اجتماعی و تاب‌آوری جوامع شناسایی شده‌اند. باوجود نقش حیاتی آنان، زنان روستایی اغلب با موانع ساختاری، فرهنگی و نهادی مواجه هستند که مشارکت اقتصادی و توانمندسازی آنان را محدود می‌کند. کارآفرینی به‌عنوان یک راهبرد مؤثر برای مقابله با این چالش‌ها مطرح شده و با افزایش درآمد، ایجاد اشتغال و تقویت تاب‌آوری اقتصادی-اجتماعی، فرصت‌های توسعه را در مناطق روستایی فراهم می‌کند. پژوهش حاضر باهدف بررسی اثر قابلیت‌های کارآفرینی بر توانمندسازی زنان روستایی شهرستان رامهرمز انجام شد و به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی توانمندسازی توجه دارد. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی طراحی شده و جامعه آماری شامل تمامی زنان فعال در حوزه کارآفرینی محصولات غذایی کشاورزی (۱۵۰ نفر) در سال ۱۴۰۴ بوده است. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته جمع‌آوری و پس از تأیید روایی و پایایی، با بهره‌گیری از آمار توصیفی و مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس در نرم‌افزارهای SPSS و Smart-PLS تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد که تقویت قابلیت‌های کارآفرینی زنان روستایی، به‌طور معناداری سبب افزایش استقلال اقتصادی، بهبود قدرت تصمیم‌گیری و ارتقای مشارکت اجتماعی آنان می‌شود. این یافته‌ها بیانگر آن است که قابلیت‌هایی همچون مهارت‌های کسب‌وکار، نوآوری، مدیریت منابع و توان برنامه‌ریزی نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقای ابعاد مختلف توانمندسازی زنان دارند. بر اساس این نتایج، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی هدفمند و کاربردی در حوزه کارآفرینی متناسب با نیازهای زنان روستایی طراحی و اجرا شود و نهادهای محلی با حمایت مالی، ایجاد دسترسی به بازار و تسهیلگری در فرآیند کسب‌وکار، زمینه تقویت این قابلیت‌ها را فراهم کنند. توجه به این الزامات می‌تواند به ارتقای پایدار توانمندسازی زنان روستایی و بهبود مشارکت اقتصادی و اجتماعی آنان منجر شود.

واژگان کلیدی: زنان روستایی، قابلیت‌های کارآفرینی، توانمندسازی، توسعه پایدار، شهرستان رامهرمز.

مقدمه

در سال‌های اخیر، توسعه روستایی به‌عنوان یکی از عناصر کلیدی دستیابی به توسعه پایدار، توجه بیشتری در سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌های توسعه و مطالعات علمی به خود جلب کرده است (Singbo et al., 2023). باوجود ظرفیت‌های متنوع طبیعی، انسانی و فرهنگی، مناطق روستایی همچنان با مشکلاتی مانند فقر، بیکاری، مهاجرت، ناپایداری معیشت و کاهش سرمایه اجتماعی روبه‌رو هستند. این محدودیت‌ها علاوه بر کاهش کیفیت زندگی ساکنان، پایداری اقتصادی و اجتماعی این جوامع را نیز تهدید می‌کنند (Vlasov et al., 2023). در چنین شرایطی، کارآفرینی روستایی به‌عنوان یک راهبرد توسعه نوین، می‌تواند نقش مؤثری در تقویت زیرساخت‌های اقتصادی، کاهش فقر، ایجاد اشتغال و افزایش تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی این مناطق ایفا کند (Fink et al., 2017; Pato & Teixeira, 2018).

^۱. نویسنده مسئول و دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. رایانامه: z.soltani@scu.ac.ir <https://orcid.org/0000-0001-5876-0473>

^۲. استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

<https://orcid.org/0000-0001-7982-8027>

^۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

<https://orcid.org/0000-0001-5876-0021>

کارآفرینی روستایی تنها به راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک محدود نمی‌شود؛ بلکه فرآیندی چندبعدی است که با استفاده از منابع محلی، دانش بومی و سرمایه اجتماعی، امکان تنوع‌بخشی فعالیت‌های اقتصادی و کاهش وابستگی به کشاورزی تک‌محصولی را فراهم می‌آورد (Yang et al., 2024). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی می‌تواند با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، کاهش مهاجرت و ارتقای کیفیت زندگی، به بازآفرینی اقتصادی و اجتماعی این مناطق کمک کند (Haugh & Pardy, 1999; Conti & Sivini, 2023). با این حال، تحقق اثرگذاری واقعی کارآفرینی در روستاها نیازمند توجه ویژه به ویژگی‌ها و ظرفیت‌های گروه‌های مختلف اجتماعی، به‌ویژه زنان، است.

زنان روستایی به‌عنوان یکی از گروه‌های کلیدی اما کمتر برخوردار، نقش بسزایی در معیشت خانوار، تولیدات محلی، صنایع دستی، فعالیت‌های کشاورزی و حفظ انسجام اجتماعی دارند. با این حال، محدودیت‌های ساختاری، نهادی و فرهنگی، مشارکت اقتصادی آنان را محدود کرده است. دسترسی محدود به منابع مالی، فرصت‌های شغلی پایدار، آموزش‌های مهارتی و بازارهای فروش، موجب وابستگی اقتصادی و استمرار نابرابری‌های جنسیتی در جوامع روستایی شده است (Papzan et al., 2012; Abbaszadeh et al., 2011). علاوه بر این، موانع فرهنگی و حقوقی، دسترسی زنان به منابع تولیدی، اعتبارات مالی و دارایی‌ها را محدود کرده و نقش آنان در توسعه روستایی را کاهش داده است (Roshannia et al., 2016).

در ادبیات توسعه، توانمندسازی زنان به‌عنوان یکی از پیش‌نیازهای تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار مورد تأکید قرار گرفته است. این مفهوم چندبعدی شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی است و با افزایش قدرت انتخاب، اختیار تصمیم‌گیری و کنترل بر منابع و سرنوشت فرد، امکان تأثیرگذاری فعال را برای زنان فراهم می‌کند (Gholipour et al., 2008). از این دیدگاه، توانمندسازی زنان روستایی تنها یک هدف اجتماعی نیست، بلکه ابزاری راهبردی برای بهبود عملکرد نظام‌های معیشتی، ارتقای مشارکت اجتماعی و تقویت سرمایه انسانی در روستاها محسوب می‌شود (Khosravi et al., 2013). بعد اقتصادی توانمندسازی شامل دسترسی به منابع مالی، اعتبارات خرد، استقلال درآمدی، توان پس‌انداز و مشارکت در فعالیت‌های تولیدی و تعاونی است. مطالعات متعدد نشان داده‌اند که بهبود وضعیت اقتصادی زنان، تأثیر مستقیمی بر رفاه خانوار، کیفیت تصمیم‌گیری اقتصادی و تاب‌آوری معیشتی دارد (Hill & Leat, 2017). ابعاد اجتماعی و روان‌شناختی توانمندسازی، از جمله افزایش اعتماد به نفس، خودکارآمدی و نگرش مثبت نسبت به نقش زنان، نیز در پایداری دستاوردهای اقتصادی نقش مهمی ایفا می‌کنند (Saadi et al., 2012; Kumar, 2017). با این حال، مسیر توانمندسازی زنان روستایی با موانع متعددی مواجه است. نگرش‌های سنتی نسبت به نقش زنان، نبود حمایت نهادی مؤثر، ضعف شبکه‌های بازاریابی، کمبود مهارت‌های کارآفرینانه، ناتوانی در مدیریت ریسک و محدودیت دسترسی به بازار، فرآیند تبدیل ایده به کسب‌وکار پایدار را دشوار کرده است (Bouzarjomehri & Masoumi, 2018; Yasoori, 2012). در این راستا، قابلیت‌های کارآفرینی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی توانمندسازی زنان مطرح می‌شود. این قابلیت‌ها شامل مجموعه‌ای از توانایی‌ها، مهارت‌ها و ویژگی‌های فردی و اجتماعی است که فرد را قادر می‌سازد فرصت‌ها را شناسایی کند، منابع را بسیج نماید و در شرایط عدم قطعیت اقدام به ایجاد و توسعه کسب‌وکار نماید (Korsgaard et al., 2015; Zhybak & Khristenko, 2021). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تقویت این قابلیت‌ها می‌تواند باعث افزایش اعتماد به نفس، استقلال اقتصادی و مشارکت اجتماعی زنان روستایی شود (Motiee Langaroudi et al., 2012). مطالعات جدید همچنین بر ارتباط کارآفرینی روستایی با رفاه خانوار و بازآفرینی اقتصادی-اجتماعی تأکید دارند. کارآفرینی با افزایش درآمد، بهبود رفاه مالی، تقویت سرمایه اجتماعی و افزایش مشارکت جامعه محلی، نقش مهمی در بازآفرینی روستاها ایفا می‌کند (Masoomi et al., 2023; Shabanov, 2023). با این حال، بخش عمده مطالعات بر پیامدهای اقتصادی کارآفرینی متمرکز بوده و نقش قابلیت‌های کارآفرینانه زنان به‌عنوان عامل میانجی در فرآیند توانمندسازی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

استان خوزستان با جمعیتی بیش از ۴/۷ میلیون نفر (Statistical Center of Iran, 2021) و سهمی حدود ۱۴ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور، یکی از مهم‌ترین قطب‌های اقتصادی ایران به شمار می‌رود. این استان با برخورداری از ۷۲۵ هزار هکتار اراضی زراعی قابل کشت، ظرفیت گسترده در تولید محصولات کشاورزی، صنایع وابسته، دام‌پروری و صنایع تبدیلی دارد و بستر مناسبی برای توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه در نواحی روستایی فراهم کرده است (Ministry of Agriculture Jihad).

(2022). باوجود این ظرفیت‌ها، گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد که مشارکت اقتصادی زنان روستایی در خوزستان تنها حدود ۲۲ درصد است و نرخ بیکاری زنان در روستاها بیش از دو برابر مردان برآورد می‌شود (Office of Women and Family Affairs, Khuzestan Governorate, 2022). این شکاف میان ظرفیت بالفعل و بالقوه، بیانگر آن است که زنان روستایی با موانعی همچون کمبود مهارت‌های کسب و کار، محدودیت دسترسی به بازار، کمبود سرمایه، ضعف شبکه‌های حمایتی و محدودیت‌های فرهنگی روبه‌رو هستند؛ عواملی که مانع توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی آنان می‌شود. در چنین شرایطی، تقویت ابعاد مختلف قابلیت‌های کارآفرینی (از جمله نوآوری، فرصت‌جویی، مخاطره‌پذیری، نیاز به توفیق، برنامه‌ریزی و مهارت مدیریت کسب و کار) می‌تواند نقش مهمی در ارتقای توانمندسازی زنان ایفا کند. یافته‌های مطالعات پیشین نشان می‌دهد که افزایش قابلیت‌های کارآفرینانه، به بهبود استقلال اقتصادی، قدرت تصمیم‌گیری، مشارکت اجتماعی و خودکارآمدی زنان روستایی منجر می‌شود و آنان را برای حضور مؤثر در فعالیت‌های اقتصادی توانمند می‌سازد.

شهرستان رامهرمز به‌عنوان یکی از مناطق مهم تولید محصولات کشاورزی در خوزستان، جمعیت قابل‌توجهی از زنان فعال در مشاغل خانگی و کسب و کارهای خرد روستایی را دربر می‌گیرد. وجود این ظرفیت انسانی از یک سو و موانع متعدد در مسیر توانمندسازی از سوی دیگر، ضرورت انجام پژوهش حاضر را برجسته می‌سازد.

بر این اساس، هدف مقاله حاضر، تبیین اثر ابعاد قابلیت‌های کارآفرینی بر توانمندسازی زنان روستایی شهرستان رامهرمز است. این پژوهش تلاش می‌کند با تمرکز بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی توانمندسازی، نقش قابلیت‌ها و مهارت‌های کارآفرینانه را در ارتقای وضعیت زنان و بهبود مشارکت آنان در فرآیند توسعه پایدار روستایی روشن سازد. نتایج این مطالعه می‌تواند مبنایی برای طراحی سیاست‌های حمایتی، برنامه‌های آموزشی هدفمند و اقدامات نهادی در جهت تقویت نقش زنان در توسعه محلی فراهم آورد.

مبانی نظری

توانمندسازی زنان روستایی یکی از مؤلفه‌های اساسی در فرآیند توسعه پایدار و عدالت اجتماعی به شمار می‌رود و از منظر نظری، با افزایش مشارکت اقتصادی، بهبود جایگاه اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی در جوامع روستایی ارتباط مستقیم دارد (Bedi & Koirala, 2021). در بسیاری از جوامع در حال توسعه، زنان روستایی به دلیل وجود موانع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، از مشارکت مؤثر در فعالیت‌های اقتصادی محروم مانده‌اند و این امر ظرفیت‌های بالقوه آنان را در فرآیند توسعه محدود ساخته است (Ricket et al., 2023). نبود دسترسی کافی به آموزش‌های کسب و کار و برنامه‌های آموزش کارآفرینی، یکی از عوامل کلیدی در تشدید این محدودیت‌ها محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که زنان روستایی در مسیر راه‌اندازی و تداوم کسب و کارهای پایدار با چالش‌های متعددی مواجهند (Ibrahim, 2019). از دیدگاه نظری، آموزش کارآفرینی به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی توانمندسازی اقتصادی، نقش مهمی در ارتقای مهارت‌ها، دانش و نگرش‌های کارآفرینانه زنان ایفا می‌کند. آموزش‌های کارآفرینی، زنان روستایی را قادر می‌سازد تا مهارت‌های پایه‌ای کسب و کار، مدیریت و رهبری را فراگیرند و از این طریق، توانایی ورود به فعالیت‌های اقتصادی مستقل را کسب کنند (Ahlmeyer & Volgmann, 2023). در این چارچوب، آموزش کارآفرینی زمانی بیشترین اثرگذاری را دارد که با رویکرد توانمندسازی همراه باشد؛ زیرا علاوه بر ارتقای مهارت‌های فنی، موجب تقویت حس استقلال، اعتماد به نفس و خودباوری در زنان می‌شود و آنان را به آغاز و مدیریت کسب و کارهای پایدار ترغیب می‌کند (Winarti, 2017). آموزش در حوزه‌هایی نظیر فرآوری مواد غذایی و صنایع دستی، به‌عنوان نمونه‌هایی از فعالیت‌های متناسب با شرایط روستایی، می‌تواند ابزارهای لازم برای دستیابی زنان به استقلال مالی و بهبود وضعیت اجتماعی-اقتصادی آنان را فراهم سازد (Ghosh, 2017). در ادامه این چارچوب نظری، مفهوم کارآفرینی اجتماعی نیز به‌عنوان رویکردی مکمل در توانمندسازی زنان روستایی مطرح می‌شود. کارآفرینی اجتماعی با تمرکز بر راهکارهای نوآورانه و ابتکارات مبتنی بر جامعه، امکان دسترسی زنان روستایی به منابع، شبکه‌ها و نظام‌های حمایتی را فراهم می‌کند؛ منابعی که در شرایط عادی، دسترسی به آن‌ها برای زنان محدود است. این نوع از کارآفرینی نه تنها پیامدهای اقتصادی مثبت دارد، بلکه با به چالش کشیدن هنجارهای سنتی جنسیتی، زمینه‌ساز تغییرات اجتماعی و ارتقای نقش رهبری زنان در جوامع محلی می‌شود (Parveen, 2012). چنین تحولی به‌ویژه در مناطق روستایی با اقتصاد مبتنی بر کشاورزی سنتی و فرصت‌های صنعتی محدود، اهمیت دوچندان

می‌یابد. در سطحی گسترده‌تر، مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که زنان روستایی در مناطق مختلف جهان، از جمله آسیا و آفریقا، با موانع مشابهی در مسیر کارآفرینی مواجه‌اند. این موانع عمدتاً شامل انتظارات اجتماعی، محدودیت‌های فرهنگی و فقدان آموزش‌های تخصصی است که ظرفیت کارآفرینانه زنان را محدود می‌سازد. با این حال، تأکید می‌شود که آموزش مناسب کارآفرینی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در غلبه بر این محدودیت‌ها ایفا کرده و زنان را به کنشگرانی مؤثر در اقتصادهای محلی تبدیل کند (Gavigan et al., 2023).

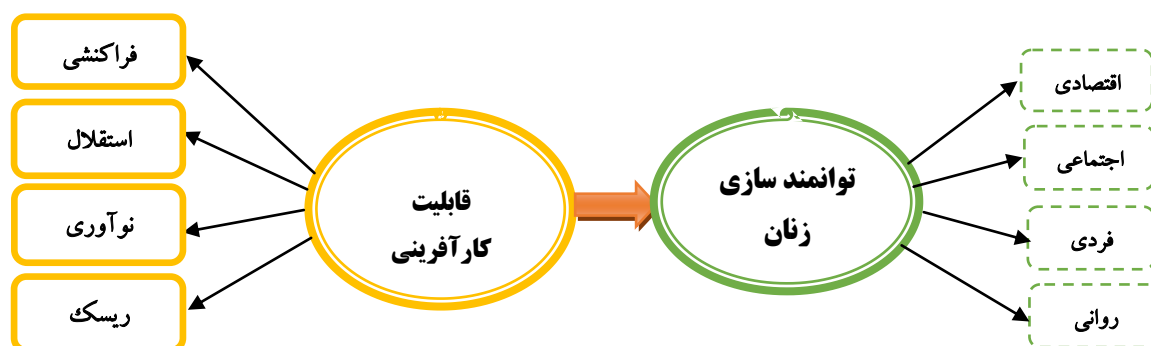
از منظر نظری، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز به‌عنوان بخشی از فرآیند توانمندسازی زنان روستایی مطرح می‌شوند. این آموزش‌ها با توسعه مهارت‌های کاربردی، ظرفیت زنان را برای ایجاد فعالیت‌های درآمدزا افزایش می‌دهند و زمینه مشارکت فعال آنان در اقتصاد محلی را فراهم می‌کنند. شواهد نظری نشان می‌دهد زنانی که از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برخوردار می‌شوند، توان بالاتری در ایجاد و حفظ منابع درآمدی دارند و این امر به ارتقای امنیت اقتصادی آنان منجر می‌شود (Rana, 2017). همچنین، آموزش‌های هدفمند در حوزه‌هایی نظیر فرآوری مواد غذایی و باغبانی، فرصت‌های مناسبی برای خودکارآفرینی زنان روستایی ایجاد می‌کند که پیامد آن، تقویت اقتصاد خانوار و توسعه جامعه محلی است (Bogam et al., 2023). در این میان، نقش دولت و سازمان‌های غیردولتی در حمایت از فرآیند توانمندسازی زنان روستایی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. زنان کارآفرین روستایی اغلب با موانعی همچون دسترسی محدود به منابع مالی، اعتبارات و بازار مواجه‌اند که توان توسعه و گسترش کسب‌وکار آنان را محدود می‌سازد. برنامه‌های حمایتی دولت و سازمان‌های غیردولتی که بر آموزش کارآفرینی، ارتقای سواد مالی و تسهیل دسترسی به بازار تمرکز دارند، می‌توانند این موانع را کاهش داده و مسیر توانمندسازی زنان را هموار سازند (Rathidevi & Jayaseeli, 2020). این مداخلات، افزون بر تقویت توان اقتصادی، موجب ارتقای اعتمادبه‌نفس و جایگاه اجتماعی زنان نیز می‌شود. در ادامه این دیدگاه، تأکید می‌شود که ابتکارات کارآفرینانه تنها به حل چالش‌های اقتصادی محدود نمی‌شوند، بلکه نقش مهمی در به چالش کشیدن کلیشه‌های جنسیتی و انتظارات اجتماعی ایفا می‌کنند. این ابتکارات با فراهم آوردن فرصت‌هایی برای توسعه مهارت، شمول مالی و تحرک اجتماعی، زمینه‌ساز شکل‌گیری جوامعی تاب‌آورتر و توانمندتر می‌شوند (Kumari, 2024). به‌علاوه، زنانی که آموزش‌های رسمی کارآفرینی دریافت می‌کنند، در مقایسه با زنانی که از این فرصت‌ها محروم‌اند، از شانس موفقیت بالاتری در فعالیت‌های اقتصادی برخوردارند؛ موضوعی که بر ضرورت دسترسی به آموزش‌های کارآفرینی در مناطق روستایی تأکید دارد (Rahman & Soediro, 2022).

درمجموع، مبانی نظری این پژوهش بر این فرض استوار است که توسعه قابلیت‌های کارآفرینانه از طریق آموزش‌های هدفمند و حمایت نهادی، می‌تواند به‌عنوان سازوکاری مؤثر برای توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی عمل کند. چنین فرآیندی، علاوه بر ارتقای استقلال اقتصادی زنان، زمینه مشارکت فعال آنان در توسعه محلی و شکل‌گیری نیروی کار زن توانمند را فراهم می‌سازد؛ نیرویی که قادر است توسعه اقتصادی را از درون جوامع روستایی هدایت کند.

راتی و یاداو (Rathee & Yadav, 2018) در پژوهشی با عنوان «نقش زنان کارآفرین در توانمندسازی اقتصادی مناطق روستایی» به این نتیجه رسیدند که اکثر کسب‌وکارهای متعلق به زنان در مناطق روستایی هند کسب‌وکارهای خرد هستند و تقریباً ۹۸ درصد از این کسب‌وکارها در دسته‌بندی کسب‌وکارهای خرد قرار می‌گیرند. احمد (Ahmad, 2019) در پژوهشی با عنوان «کارآفرینی زنان دوستدار محیط‌زیست در مناطق روستایی: تحولی نوین برای ارتقاء اجتماعی» به این نتیجه رسید که کارآفرینی زنان دوستدار محیط‌زیست در مناطق روستایی به توسعه اجتماعی منجر شده است. زنان روستایی مهارت‌های دستی دارند و از مردان تولیدکننده‌تر هستند، اگرچه در دستیابی به خوداتکایی اقتصادی با چالش‌هایی روبه‌رو هستند. کارآفرینی زنان دوستدار محیط‌زیست می‌تواند به توسعه اقتصادی روستایی و کاهش فقر، به‌ویژه برای کشاورزان، کارگران روزمزد منجر شود. وایراوان و کاویتا (Vairavan & Kavitha, 2021) در پژوهشی با عنوان «توسعه اقتصادی روستایی از طریق کارآفرینی زنان» به این نتیجه رسیدند که اکثریت زنان کارآفرین روستایی در هند در کسب‌وکارهای خرد مشغول هستند و به توسعه اقتصادی پایدار کمک می‌کنند و فرصت‌های شغلی برای زنان دیگر فراهم می‌آورند. توسعه اقتصادی پایدار زنان کارآفرین روستایی تأثیر مثبتی بر خانواده‌ها، جوامع و کشور به‌طور کلی دارد. حضور فزاینده زنان کارآفرین بر جمعیت‌شناسی و رشد اقتصادی کشور تأثیرگذار بوده است. گهاوس و همکاران (Ghouse et al., 2021) در پژوهشی با عنوان «زنان کارآفرین روستایی در عمان:

مشکلات و فرصت‌ها» به این نتیجه رسیدند که چندین مشکل شناسایی شد که مانع از پیشرفت کسب‌وکارهای زنان کارآفرین روستایی در عمان می‌شود، از جمله مسائلی مرتبط با شخصیت، خانواده، آموزش، عوامل اجتماعی-فرهنگی، امکانات، محدودیت‌های قانونی و مالی، چالش‌های سازمانی و محدودیت‌های جغرافیایی که مشکلات خانوادگی، سازمانی و جغرافیایی مهم‌ترین آن‌ها بودند. این مطالعه همچنین فرصت‌های کارآفرینی موجود برای زنان کارآفرین روستایی در عمان را شناسایی کرد. این تحقیق پیشنهاد می‌کند که سیاست‌گذاران باید به‌طور جامع و همه‌جانبه به چگونگی حمایت و پایداری بهتر زنان کارآفرین روستایی در عمان بپردازند، با کمک به آن‌ها برای غلبه بر مشکلات مربوطه و دستیابی به فرصت‌های کسب‌وکار، به‌طوری‌که در توسعه اجتماعی-اقتصادی منطقه‌ای سهمیم شوند. کویسپه فرناندز و همکاران (Quispe Fernández et al., 2023) در پژوهشی با عنوان «مطالعات علم‌سنجی بر روی کارآفرینی زنان روستایی: یک مرور فراعلم‌سنجی» به این نتیجه رسیدند که تحقیقات فراعلم‌سنجی در زمینه کارآفرینی هنوز به دیگر موضوعات مهم فراتر از تعمیم کارآفرینی زنان پرداخته است، مانند نقش جنسیت، فضاهای جغرافیایی روستایی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، آموزش، تأمین مالی، اثرات، علل، موفقیت‌ها و شکست‌ها. تحقیقات موجود به‌شدت بر کارآفرینی زنان در مناطق شهری متمرکز است و توجه بسیار کمی به کارآفرینی روستایی، به‌ویژه در کشورهای آمریکای لاتین، دارد. در تحقیقات موجود شکاف قابل توجهی وجود دارد، چراکه مطالعه‌های فراعلم‌سنجی که کارآفرینی زنان در مناطق روستایی را تحلیل کنند، به‌ویژه در سطح کشور، مانند وضعیت اکوادور، وجود ندارد. چاندرا و همکاران (Chandra et al., 2024) در پژوهشی با عنوان «توانمندسازی زنان و کارآفرینی در جوامع روستایی در اوتاراکنند، هند» به این نتیجه رسیدند که کارآفرینی یک مسیر قوی برای توانمندسازی زنان در روستاهای اوتاراکنند ارائه می‌دهد که به استقلال اقتصادی، قدرت تصمیم‌گیری بالاتر و تغییرات اجتماعی آن‌ها کمک می‌کند. این مطالعه چالش‌ها و فرصت‌های منحصر به فردی که زنان کارآفرین با آن‌ها روبه‌رو هستند را بررسی کرده و ابتکارات دولتی و غیردولتی که به تقویت رشد آن‌ها پرداخته‌اند، تحلیل می‌کند. تأثیر کارآفرینی زنان در سطوح فردی و توسعه اجتماعی ارزیابی می‌شود. کانت و سینه‌ها (Kanth & Sinha, 2025) در پژوهشی با عنوان «کارآفرینی زنان روستایی: مرور سیستماتیک ادبیات و فراتر از آن» به این نتیجه رسیدند که تحقیقات در حوزه کارآفرینی زنان روستایی طی دهه گذشته شتاب بیشتری گرفته است. هند بیشترین تعداد مقالات را در این زمینه منتشر کرده، درحالی‌که بریتانیا دارای بیشترین مقالات پر استناد است. مطالعات موجود بیشتر بر عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی، تأثیر جنسیت و نقش طرح‌های دولتی در تقویت کارآفرینی تمرکز داشته‌اند. بر اساس نتیجه پژوهش رفیعی و همکاران (Rafiee et al., 2015) زمینه‌هایی فرهنگی (سطح تحصیلات، شرکت در کارگاه‌ها، دریافت مشاوره از انجمن‌های تخصصی، شرکت در دوره‌های کارآفرینی، مشاوره با سایر کارآفرینان (اجتماعی) حمایت خانواده، حمایت سایر گروه‌ها، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نگرش عمومی به کارآفرینی محیط زندگی، الگوپذیری از کارآفرینان، گرایش عمومی به کارآفرینان، عضویت در انجمن‌های کارآفرینی، عضویت در گروه‌های کارآفرینی رسمی و غیررسمی، اعتماد اجتماعی) بیشترین تأثیر را بر میزان توانمندی زنان داشته است. فیروزآبادی و همکاران (Firouzabadi et al., 2018) در پژوهشی با عنوان «تعاونی‌های زنان روستایی، پتانسیلی برای کارآفرینی اجتماعی (مطالعه موردی: تعاونی زنان روستایی مهر آفرین ارم- شهرستان پاکدشت)» به این نتیجه رسیدند که محیط کارآفرینی در تعاونی زنان روستایی مهر آفرین ارم از چهار تم اصلی یعنی: کارآفرین، زنان روستایی به‌مثابه اجتماع محلی، زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و قانونی و همچنین موانع بازدارنده از توسعه تعاونی ناشی از ضعف کارآفرین و هیئت مؤسس تشکیل می‌شود. استراتژی‌های تعاونی مهرآفرین ارم از استراتژی‌های فعلی (آموزشی، مدیریت نیروی انسانی، مالی، تولیدی و عرضه و فروش) و همچنین راهبردهای توسعه‌ای تعاونی در آینده تشکیل شده است. مقوله خوشه‌ای دستاوردها و پیامدهای تعاونی زنان روستایی مهرآفرین ارم به توانمندسازی و توان‌افزایی زنان، خلق و ایجاد ارزش و موفقیت‌های مالی و در عرصه رقابت تعاونی اشاره دارد. گلکارفرد و رضایی مقدم (Golkar Fard & Rezaei-Moghaddam, 2019) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین کارآفرینی و توانمندسازی زنان روستایی استان فارس پرداختند. نتایج نشان داد بین توانمندسازی زنان و خلاقیت، روحیه و دانش کارآفرینی، فضای کسب‌وکار و ارتباط با مراکز اطلاعاتی همبستگی مثبت وجود دارد. همچنین، روحیه کارآفرینی بیشترین نقش را در پیش‌بینی توانمندسازی دارد و سیاست‌های حمایتی کمترین نقش را دارند. پژوهش پیشنهادهایی مانند آموزش، تسهیل قوانین و بهبود شرایط فروش برای تقویت توانمندسازی زنان ارائه

کرد. احمدی سنور و همکاران (Ahmadi-Senur et al., 2019) در پژوهشی با عنوان «فرا تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی» به این نتیجه رسیدند که اندازه اثر متغیر بازاریابی (۰/۲۹۲) به استناد تفسیر اندازه اثر کوهن، تقریباً ضعیف ارزیابی می‌شود و اندازه اثر سایر متغیرهای شاخص موردبررسی (عوامل فردی، اجتماعی، اقتصادی، مالی) در حد متوسط و متوسط به بالا بوده است. طبق نتایج تحقیق، توسعه کارآفرینی زنان روستایی امری پویا و چندوجهی بوده، نیازمند توجه هم‌زمان به عوامل فردی چون نیروی انسانی خلاق، حمایت‌های مالی و اقتصادی از زنان روستایی، عوامل فرهنگی و آموزشی و ارتقاء زیرساخت‌های محیطی در روستاهای کشور است. نتایج پژوهش تاراسی و همکاران (Tarasi et al., 2020) نشان داد که میزان توانمندی زنان روستایی شهرستان زنان در وضعیت نامناسبی قرار دارد و تنها بعد سیاسی توانمندی زنان در وضعیت مطلوبی قرار دارد. نتایج این مطالعه نشان داد که توانمندی زنان تحت تأثیر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی قرار دارد. یاسوری و نوروزی نژاد (Yasouri & Noroozinezhad, 2021) در پژوهشی با عنوان «فرا تحلیل کیفی ابعاد توسعه کارآفرینی زنان روستایی» به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی عبارت‌اند از: سطح سواد و دانش فردی زنان روستایی، شرکت در دوره‌های آموزشی کارآفرینی، کسب درآمد، عامل عضویت در گروه‌های ثانویه، حمایت خانواده، حمایت نهادهای دولتی و عامل حمل‌ونقل. سندگل و همکاران (Sanadgol et al., 2022) در پژوهشی با عنوان «محدودیت‌های کالبدی و زیست‌محیطی کارآفرینی در روستاهای پیرامونی مرز و تالاب بین‌المللی هامون (مورد مطالعه: بخش قرقری، شهرستان هیرمند)» به این نتیجه رسیدند که محدودیت‌های کالبدی در ۶/۵۸ درصد از روستاها و محدودیت‌های زیست‌محیطی نیز در ۹/۶۸ درصد از روستاها در سطح شدید یا بسیار شدید می‌باشد. همچنین بر اساس نتایج پژوهش، محدودیت‌های ناشی از وجود دیوار مرزی با میانگین ۰/۴۸۷ و محدودیت دسترسی به منابع آب با میانگین ۰/۳۹۳ به ترتیب بالاترین محدودیت‌های کالبدی و زیست‌محیطی را در بین محدودیت‌های متنوع در هر بعد به خود اختصاص می‌دهند. سلطانی و همکاران (Soltani et al., 2025) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نقش کارآفرینی زنان روستایی در توسعه پایدار کشاورزی با تأکید بر محصولات غذایی (مطالعه موردی: شهرستان رامهرمز)» به این نتیجه رسیدند که قابلیت‌های کارآفرینی زنان روستایی در تولید محصولات غذایی کشاورزی به عنوان یک متغیر کلیدی، تأثیر مثبت و معناداری بر تحقق توسعه پایدار کشاورزی دارد. این نتایج نشان می‌دهد که کارآفرینی زنان نه تنها در افزایش بازدهی اقتصادی بخش کشاورزی بلکه در بهبود عدالت اجتماعی و حفظ منابع طبیعی نیز نقشی بنیادین ایفا می‌کند. با توجه به بررسی پیشینه پژوهش، وجه تمایز این پژوهش را با پیشینه‌های صورت گرفته به این دلیل است که در بیشتر مطالعات مربوط به کارآفرینی زنان روستایی، به طور جداگانه به برخی از این مؤلفه‌ها پرداخته شده است، اما در این تحقیق سعی بر این است که تمامی ابعاد و مؤلفه‌های کارآفرینی با تأثیرگذاری آن‌ها بر توانمندسازی زنان روستایی موردبررسی قرار گیرد. همچنین، با توجه به شرایط خاص جوامع روستایی شهرستان رامهرمز و تأثیراتی که این جوامع در بهبود وضعیت زنان می‌توانند داشته باشند، این تحقیق می‌تواند دیدگاه‌های جدیدی برای توسعه سیاست‌های حمایتی و آموزشی در این زمینه ارائه دهد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش
مأخذ: (نویسندگان، ۱۴۰۵)

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش را تمامی زنان کارآفرین ساکن روستاهای شهرستان رامهرمز که در سال ۱۴۰۴ در فعالیتهای کارآفرینانه اشتغال داشته‌اند تشکیل می‌دهند. بر اساس آمار ارائه‌شده توسط بخش آموزش و ترویج جهاد کشاورزی شهرستان رامهرمز، تعداد این افراد حدود ۱۵۰ نفر است. با توجه به محدود بودن جامعه آماری، از روش تمام‌شماری استفاده شد و تمامی افراد جامعه به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته محقق‌ساخته با طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالف=۱ تا کاملاً موافق=۵) بود. پرسشنامه شامل دو سازه اصلی «قابلیتهای کارآفرینی» و «توانمندسازی زنان روستایی» است. قابلیت‌های کارآفرینی از چهار بعد استقلال‌طلبی، نوآوری، ریسک‌پذیری و فراکنشی بودن و توانمندسازی زنان روستایی از چهار بعد فردی، اقتصادی، اجتماعی و روانی اندازه‌گیری شد. روایی ابزار از طریق روایی صوری و محتوایی با استفاده از نظر خبرگان و همچنین روایی سازه شامل روایی همگرا (AVE) و روایی واگرا (HTMT) ارزیابی شد. پایایی ابزار نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (CR) بررسی گردید که مقادیر به‌دست‌آمده برای تمامی سازه‌ها بیش از حد قابل قبول (۰/۷۰) بود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام شد. در بخش آمار توصیفی، از شاخص‌هایی نظیر فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار، واریانس، چولگی و کشیدگی برای توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان و متغیرهای پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ استفاده شد. همچنین به‌منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها، شاخص‌های چولگی و کشیدگی مورد بررسی قرار گرفتند. در بخش آمار استنباطی، به‌منظور آزمون مدل مفهومی پژوهش و بررسی روابط میان متغیرهای پنهان، از مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) با استفاده از نرم‌افزار SmartPLS نسخه ۴ استفاده شد. انتخاب این روش به دلیل ماهیت اکتشافی پژوهش، وجود متغیرهای مکنون، مناسب بودن آن برای حجم نمونه نسبتاً محدود و عدم وابستگی شدید به مفروضه نرمال بودن داده‌ها صورت گرفت.

فرایند تحلیل داده‌ها در مدل‌سازی معادلات ساختاری در دو مرحله انجام شد. در مرحله نخست، مدل اندازه‌گیری (مدل بیرونی) ارزیابی گردید. در این مرحله ابتدا بارهای عاملی شاخص‌ها بررسی شد و شاخص‌هایی با بار عاملی بیشتر از ۰/۷۰ به‌عنوان معرف مناسب سازه‌ها پذیرفته شدند. سپس پایایی درونی سازه‌ها از طریق آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (CR) با مقدار مطلوب بیش از ۰/۷۰ ارزیابی شد. روایی همگرا با استفاده از میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) و مقدار قابل قبول بیش از ۰/۵۰ و روایی واگرا با استفاده از شاخص HTMT و مقدار کمتر از ۰/۹۰ مورد بررسی قرار گرفت. پس از تأیید مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری (مدل درونی) ارزیابی شد. در این مرحله ابتدا هم‌خطی بین سازه‌ها با استفاده از شاخص عامل تورم واریانس (VIF) بررسی شد که مقدار کمتر از ۵ نشان‌دهنده نبود مشکل هم‌خطی است. سپس قدرت تبیین مدل از طریق ضریب تعیین (R^2)، توان پیش‌بینی مدل با استفاده از شاخص Q^2 استون-گایسر و اندازه اثر متغیر مستقل بر متغیر وابسته با استفاده از شاخص f^2 ارزیابی گردید. در ادامه، برای آزمون فرضیه اصلی پژوهش، ضرایب مسیر بین متغیرها، آماره t و سطح معناداری از طریق روش بوت‌استرپ (Bootstrap) با ۵۰۰۰ بازنمونه‌گیری محاسبه شد. معیار پذیرش فرضیه‌ها، بزرگ‌تر بودن مقدار آماره t از ۱/۹۶ و کمتر بودن سطح معناداری (p-value) از ۰/۰۵ در سطح اطمینان ۹۵ درصد بود.

در پایان، به‌منظور ارزیابی برازش کلی مدل، شاخص ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد شده (SRMR) محاسبه شد که مقدار کمتر از ۰/۰۸ نشان‌دهنده برازش مطلوب مدل است. بدین ترتیب، پس از تأیید کفایت مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری، فرضیه پژوهش بر اساس ضرایب مسیر استاندارد و آزمون معناداری مورد ارزیابی و تفسیر قرار گرفت.

جدول ۱. گویه‌های موردبررسی در ارتباط با مؤلفه‌های پژوهش

فراکنشی	قبل پیشامد مشکلات به دنبال راه حل، فرصت‌های جدید اقدام سریع، آینده‌ی کاری‌ام با برنامه‌ریزی، به تغییرات بازار واکنش سریع، در کارها خودم پیش‌قدم، استفاده از فرصت‌های کوچک به‌خوبی. توانایی لازم برای مدیریت زندگی، با فعالیت اقتصادی‌ام درآمد ثابتی دارم، مشارکت فعال در جلسات محلی و اجتماعی احساس ارزشمند و مفید بودن	قابلیت کارآفرینی زنان
استقلال	ترجیح به تصمیم‌های اقتصادی مستقل، احساس توانایی کنترل شرایط مالی، تلاش عدم وابستگی به خانواده یا همسر در درآمد زایی، استقلال مالی از مهم‌ترین اولویت‌ها، نقش در تصمیم‌گیری‌های مالی خانواده، ابتکار عمل در فعالیت‌های اقتصادی	
نوآوری	علاقه‌مند ایده‌های جدید، معرفی محصولات یا خدمات تازه‌ای به بازار محلی، دنبال راه‌حل‌های نوآورانه در کار، تلاش تمایز با نوآوری از دیگران، استقبال روش‌های خلاقانه در کسب‌وکار، توانایی تغییر در روش‌های تولید یا فروش	
ریسک‌پذیری	حاضر به مقداری ریسک، هراسی نداشتن انجام کارهایی که کمی نامطمئن، ترس نداشتن از راه‌اندازی یک کسب‌وکار با احتمال شکست، بجای انصراف امتحان راه‌حل‌های جایگزین، بخش مهمی از موفقیت ریسک‌پذیری، سرمایه‌گذاری‌ها به دنبال سودهای بالقوه‌ی بیشتر با ریسک بیشتر	توانمند سازی زنان
اقتصادی	داشتن درآمد ثابتی، توان پرداخت وام‌های بانکی، توان پس‌انداز برای آینده‌ام، تامین بخشی از هزینه‌های خانواده، قدرت خرید بیشتر نسبت به گذشته، احساس استقلال بیشتری از نظر اقتصادی نسبت به گذشته	
اجتماعی	مشارکت فعال در جلسات محلی و اجتماعی، بهبود روابط اجتماعی در جامعه روستایی، احترام افراد روستا به نظراتم، مشارکت برای راه‌اندازی فعالیت‌های اقتصادی، در فعالیت‌های اجتماعی و گروهی فعال، ارتباط موثری با افراد و نهادها	
فردی	احساس توانایی لازم برای مدیریت زندگی خود، افزایش اعتماد به نفس در تصمیم‌گیری‌های فردی، در مقایسه با گذشته قوی‌تر، باور به توانایی‌های فردی، کسب مهارت‌های جدید، نقش فعال در تصمیمات مهم زندگی	
روانی	احساس ارزشمند و مفید بودن، امیدواری نسبت به آینده، احساس توانایی مقابله با چالش‌های زندگی، تاب‌آوری بیشتری در برابر مشکلات و فشارها، توانایی حفظ آرامش در شرایط استرس‌زا، احساس شادی و رضایت	

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

نتایج و بحث

بررسی نتایج توصیفی جدول ۲ نشان داد از ۱۵۰ نمونه تحت بررسی ۷ نفر مجرد، ۹۴ نفر متأهل، ۳۶ نفر بیوه و ۱۳ نفر سایر بودند. بنابراین نتیجه اکثریت نمونه آماری پژوهش حاضر متأهل بودند همچنین نمونه تحت بررسی ۳۲ نفر ۱۹ تا ۳۰ سال، ۶۸ نفر ۳۱ تا ۴۰ سال، ۳۶ نفر ۴۱ تا ۵۰ سال و ۱۴ نفر هم بالاتر از ۵۰ سال سن داشتند. بنابراین نتیجه اکثریت نمونه آماری پژوهش حاضر ۳۱ تا ۴۰ سال سن داشتند. در خصوص تحصیلات نیز از ۱۵۰ نمونه تحت بررسی ۴۸ نفر تحصیلات سیکل، ۷۰ نفر تحصیلات دیپلم، ۲۶ نفر تحصیلات لیسانس و ۶ نفر تحصیلات فوق‌لیسانس داشتند. بنابراین نتیجه اکثریت نمونه آماری پژوهش حاضر تحصیلات دیپلم داشتند.

جدول ۲. توصیف نمونه آماری به تفکیک وضعیت تأهل، به تفکیک سن، به تفکیک تحصیلات

متغیر	آماره	تعداد	درصد
وضعیت تأهل	مجرد	۷	۴/۷
	متأهل	۹۴	۶۲/۷
	بیوه	۳۶	۲۴
	سایر	۱۳	۸/۷
سن	۱۹ تا ۳۰ سال	۳۲	۲۱/۳
	۳۱-۴۰ سال	۶۸	۴۵/۳
	۴۱-۵۰ سال	۳۶	۲۴
	بالاتر از ۵۰ سال	۱۴	۹/۳
تحصیلات	سیکل	۴۸	۳۲
	دیپلم	۷۰	۴۶/۷
	لیسانس	۲۶	۱۷/۳
	فوق‌لیسانس	۶	۴
	مجموع	۱۵۰	۱۰۰

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

نتایج گویه های توصیفی نمونه آماری جامعه پژوهش جدول ۳ نشان داد از ۱۵۰ نمونه تحت بررسی ۱۰۹ نفر در حال حاضر در فعالیتهای اقتصادی یا تولیدی مشارکت داشتند و ۴۱ نفر در حال حاضر در فعالیتهای اقتصادی یا تولیدی مشارکت نداشتند. بنابراین نتیجه اکثریت نمونه آماری پژوهش در حال حاضر در فعالیتهای اقتصادی یا تولیدی مشارکت داشتند. همچنین از ۱۵۰ نمونه تحت بررسی ۹۹ نفر تاکنون در دورههای آموزشی مرتبط با کارآفرینی شرکت کرده‌اند و ۵۱ نفر تاکنون در دورههای آموزشی مرتبط با کارآفرینی شرکت نکرده‌اند. بنابراین نتیجه اکثریت نمونه آماری پژوهش تاکنون در دورههای آموزشی مرتبط با کارآفرینی شرکت کرده‌اند. در ادامه بررسی‌ها ز ۱۵۰ نمونه تحت بررسی ۵۵ نفر کمبود سرمایه، ۵۱ نفر نداشتن مهارت کافی، ۳۴ نفر عدم دسترسی به بازار، ۷ نفر نبود حمایت خانوادگی یا اجتماعی و ۳ نفر سایر موارد را مهم‌ترین موانع پیش روی زنان روستایی برای راهاندازی کسب‌وکار عنوان کردند. بنابراین نتیجه اکثریت نمونه آماری کمبود سرمایه را مهم‌ترین موانع پیش روی زنان روستایی برای راهاندازی کسب‌وکار عنوان کردند. نتایج توصیفی از ۱۵۰ نمونه تحت بررسی بیانگر آن است که طی سال‌های اخیر توانایی تصمیم‌گیری‌شان در مسائل زندگی شخصی و اقتصادی افزایش یافته است ۹۷ نفر بله، ۴۰ نفر تا حدودی و ۱۳ نفر گزینه خیر را انتخاب کردند. بنابراین نتیجه اکثریت نمونه آماری عنوان کردند طی سال‌های اخیر توانایی تصمیم‌گیری‌شان در مسائل زندگی شخصی و اقتصادی افزایش یافته است. نهایتاً نتایج نشان داد از ۱۵۰ نمونه تحت بررسی ۱۰۳ نفر بسیار زیاد، ۱۸ نفر تا حدی، ۱۵ نفر کم و ۴ نفر اصلاً با واژه‌ی توانمندسازی آشنایی نداشتند. بنابراین نتیجه اکثریت نمونه آماری بسیار زیاد با واژه‌ی توانمندسازی آشنایی داشتند.

جدول ۳. برخی اطلاعات در خصوص حجم نمونه پژوهش

متغیر	آماره	تعداد	درصد
مشارکت در فعالیتهای اقتصادی	بله	۱۰۹	۷۲/۷
	خیر	۴۱	۲۷/۳
شرکت در دورههای آموزشی مرتبط با کارآفرینی	بله	۹۹	۶۶
	خیر	۵۱	۳۴
مهم‌ترین موانع پیش روی زنان روستایی برای راهاندازی کسب‌وکار	کمبود سرمایه	۵۵	۳۶/۷
	نداشتن مهارت کافی	۵۱	۳۴
	عدم دسترسی به بازار	۳۴	۲۲/۷
	نبود حمایت خانوادگی یا اجتماعی	۷	۴/۷
	سایر موارد	۳	۲
افزایش توانایی تصمیم‌گیری در مسائل زندگی شخصی و اقتصادی	بله زیاد	۹۷	۶۴/۷
	تا حدودی	۴۰	۲۶/۷
	خیر	۱۳	۸/۷
آشنایی با واژه‌ی توانمندسازی	بسیار زیاد	۱۰۳	۶۸/۷
	تا حدی	۱۸	۱۸/۷
	کم	۱۵	۱۰
	اصلاً آشنایی ندارم	۴	۲/۷
	مجموع	۱۵۰	۱۰۰

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

در این قسمت متغیرهای اصلی پژوهش با استفاده از مهم‌ترین شاخص‌های آمار توصیفی (گرایش مرکزی، پراکندگی و شکل توزیع) توصیف گردیده‌اند:

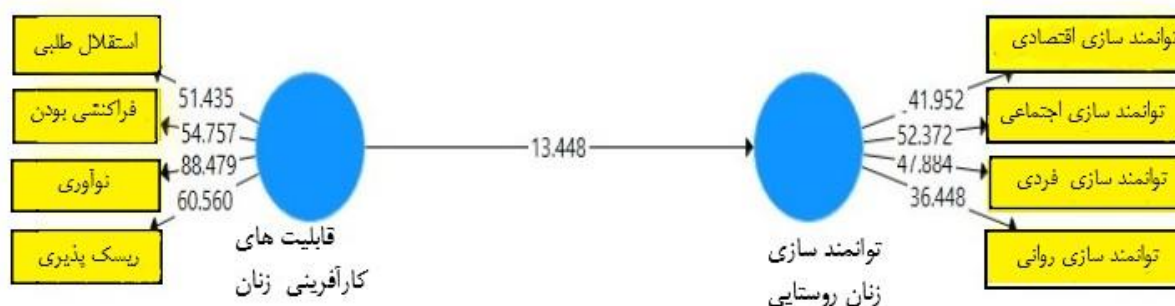
برحسب مقادیر جدول شماره ۴: ۱) میانگین متغیرهای پژوهش در نمونه آماری بالاتر از میانگین فرضی (۳)^۱ است به عبارت دیگر نمونه آماری متغیرهای پژوهش را بالاتر از حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. ۲) با توجه به مقدار شاخص انحراف معیار پراکندگی داده‌ها از شاخص میانگین در حد معمول یا به عبارتی متوسط برآورد می‌شود. ۳) مقدار منفی شاخص چولگی متغیرهای پژوهش بیانگر تمایل نمره‌های این متغیرها به سمت مقادیر بالاتر از میانگین می‌باشد. همچنین مقدار منفی شاخص کشیدگی متغیرهای قابلیت‌های کارآفرینی و توانمندسازی اجتماعی نشان‌دهنده شکل توزیع نسبتاً مسطح و مقدار مثبت شاخص کشیدگی متغیرهای توانمندسازی فردی، توانمندسازی اقتصادی، توانمندسازی روانی و توانمندسازی زنان روستایی نشان‌دهنده شکل توزیع نسبتاً برآمده داده‌های مربوط به این متغیر است. درنهایت اینکه با توجه به اینکه چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش در دامنه ± 2 قرار دارد می‌توان گفت توزیع داده‌های متغیرهای پژوهش به سمت توزیع نرمال تمایل دارند.

جدول ۴. توصیف متغیرهای پژوهش با استفاده از شاخص‌های توصیفی

شاخص‌ها	قابلیت‌های کارآفرینی	توانمندسازی زنان روستایی
میانگین	۲/۴۶	۳/۵۷
میان	۳/۵۲	۳/۵۸
نما	۳/۶۳	۳/۵۸
انحراف معیار	۰/۹۲۸	۰/۸۱۰
واریانس	۰/۸۶۱	۰/۶۵۷
دامنه	۳/۷۵	۳/۸۸
کمینه	۱/۲۵	۱/۱۳
بیشینه	۵	۵
چولگی	-۰/۲۱۹	-۰/۶۳۹
کشیدگی	-۰/۴۵۹	۰/۵۸۵
خطای چولگی	۰/۱۹۸	۰/۱۹۸
خطای کشیدگی	۰/۳۹۴	۰/۳۹۴

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق در بررسی ابعاد قابلیت‌های کارآفرینی زنان روستایی در توانمندسازی زنان روستایی شهرستان رامهرمز با استفاده از مدل سازی معادله ساختاری رویکرد واریانس محور انجام گردید. مدل اندازه‌گیری (مدل بیرونی)



شکل ۱. مدل معادلات ساختاری تحقیق در حالت معناداری

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

^۱ مبنای محاسبه میانگین فرضی یا حد متوسط، طیف سنجش این متغیر در پژوهش حاضر است (۱ تا ۵)

با توجه به شکل بالا، تمامی ضرایب معناداری t از $1/96$ بیشتر هستند که این امر معنادار بودن تمامی سؤالات و شاخص‌ها و روابط میان متغیرها را در سطح اطمینان $0/95$ نشان می‌دهد. همچنین شکل ۱ و جدول ۵ بارهای عاملی (λ) را برای هریک از معرف‌ها (متغیرهای آشکار) نشان داده شده است. اگر بار عاملی کمتر $0/3$ باشد ضعیف است و از آن صرف نظر می‌شود. بار عاملی بین $0/3$ تا $0/6$ قابل قبول است و اگر بزرگ‌تر از $0/6$ باشد بسیار مطلوب است (Klein, 2014). بنا بر نتایج به دست آمده مقدار بارهای عاملی متغیرهای آشکار ($0/888 - 0/944$) از نقطه برش $0/7$ و مقدار آماره t آنها نیز از نقطه برش $1/96$ بزرگ‌تر بود ($P < 0/05$). این امر نشان‌دهنده تأثیر مثبت و قابل قبول متغیرهای استقلال طلبی، فراکنشی بودن، نوآوری و ریسک‌پذیری بر قابلیت‌های کارآفرینی زنان روستایی و همچنین بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فردی و روانی توانمندسازی زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه را دارد.

جدول ۵. بارهای عاملی متغیرهای آشکار

متغیر آشکار	بار عاملی	آماره t	وضعیت	سازه
استقلال طلبی	$0/923$	$51/435$	مطلوب	قابلیت‌های کارآفرینی زنان روستایی
نوآوری	$0/944$	$88/479$	مطلوب	
ریسک‌پذیری	$0/926$	$60/560$	مطلوب	
فراکنشی بودن	$0/927$	$54/757$	مطلوب	
توانمندسازی فردی	$0/903$	$47/884$	مطلوب	توانمندسازی زنان روستایی
توانمندسازی اقتصادی	$0/888$	$41/952$	مطلوب	
توانمندسازی اجتماعی	$0/914$	$52/372$	مطلوب	
توانمندسازی روانی	$0/900$	$36/448$	مطلوب	

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

علاوه بر این، جهت تأیید روایی ابزار اندازه‌گیری از سه نوع روایی، روایی محتوا (روایی محتوا از طریق نظرسنجی از خبرگان مورد تأیید قرار گرفت)، روایی همگرا^۱ (که با استفاده از میانگین واریانس استخراج شده^۲ سنجیده می‌شود) و روایی واگرا^۳ (با استفاده از شاخص HTMT سنجیده شده است) استفاده شده است. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه نیز از دو معیار ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی مرکب استفاده شد.

جدول ۶. ضرایب پایایی و روایی مدل

متغیرها	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	روایی همگرا
توانمندسازی زنان روستایی	$0/924$	$0/945$	$0/813$
ابعاد قابلیت‌های کارآفرینی زنان روستایی	$0/948$	$0/962$	$0/865$

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

آلفای کرونباخ معیاری برای سنجش پایایی و سنجش مناسب برای ارزیابی پایداری درونی (سازگاری درونی) محسوب می‌گردد. برتری پایایی ترکیبی نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی سازه‌ها نه به صورت مطلق بلکه با توجه به همبستگی سازه‌هایشان با یکدیگر محاسبه می‌گردد (Yahya et al., 2018). مقدار ملاک برای مناسب بودن آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بالای $0/7$ است (Darayi & Rezazadeh, 2014). روایی همگرا به بررسی میزان همبستگی هر سازه با سؤالات (شاخص‌ها) خود می‌پردازد و مقدار مناسب شاخص AVE بالاتر از $0/5$ است (Sudiana et al., 2020). با توجه به مقادیر گزارش شده در جدول ۷ نشان از تأیید پایایی و روایی همگرای متغیرهای تحقیق دارد.

روایی واگرا میزان افتراق مشاهده‌پذیرهای متغیر پنهان آن مدل با سایر مشاهده‌پذیرهای موجود در مدل را می‌سنجد که با شاخص HTMT مورد بررسی قرار گرفت.

¹ Convergent Validity

² Average Variance Extracted (AVE)

³ Divergent Validity

جدول ۷. ماتریس جدول روایی و اگر به روش HTMT

متغیر	توانمندسازی	قابلیت‌های کارآفرینی
توانمندسازی زنان روستایی		
ابعاد قابلیت‌های کارآفرینی زنان روستایی	۰/۷۰۸	

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

مطابق با ماتریس بالا، مقادیر شاخص HTMT سازه‌های توانمندسازی زنان روستایی و قابلیت‌های کارآفرینی زنان روستایی با همدیگر کمتر از ۰/۹ می‌باشد که این امر روایی و اگرایی مناسب و برازش خوب مدل اندازه‌گیری را نشان می‌دهد.

مدل ساختاری (مدل درونی)

پس از تأیید قابلیت اعتماد مدل بیرونی، گام بعدی ارزیابی نتایج مدل ساختاری است که این امر شامل بررسی قابلیت‌های پیش‌بینی مدل و روابط بین سازه‌هاست که با استفاده از یک رویکرد نظام‌مند در قالب گام‌هایی بر اساس پیشنهاد هیر و همکاران (Hair et al., 2021) انجام می‌گیرد.

به‌منظور ارزیابی هم خطی بین متغیرها از شاخص عامل تورم واریانس استفاده شد. بر اساس نظر هیر و همکاران (Hair et al., 2021) نقطه برش ۵ استاندارد تحمل در نظر گرفته شده برای برآورد و تشخیص میزان هم خطی بین متغیرها در نظر گرفته شده است. بر اساس نتایج جدول ۸ مقدار به‌دست‌آمده مطلوب برآورد شد.

جدول ۸. ارزیابی هم خطی بین متغیرها

متغیر	توانمندسازی زنان روستایی
ابعاد قابلیت‌های کارآفرینی	۱/۰۰۰

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

مقدار اساسی ارزیابی متغیرهای مکنون درون‌زا، ضریب تعیین می‌باشد. به‌زعم هیر و همکاران (Hair et al., 2021) سه مقدار ۰/۲۵، ۰/۵ و ۰/۷۵ به ترتیب نشان از اندازه اثر کوچک، متوسط و بزرگ یک سازه بر سازه دیگر دارد. مقدار ضریب تعیین مربوط به توانمندسازی زنان روستایی برابر است با ۰/۴۶۰ که مقدار ضریب تعیین متغیر توانمندسازی زنان روستایی اندازه اثر کوچک متغیر قابلیت‌های کارآفرینی بر این متغیر را نشان می‌دهد و نشان از برازش مناسب مدل ساختاری مدل است. شاخص کیفیت مدل ساختاری نیز به بررسی توانایی مدل ساختاری در پیش‌بینی کردن به روش چشم‌پوشی می‌باشد. معروف‌ترین شناخته‌ترین معیار اندازه‌گیری این توانایی شاخص Q2 استون - گایسلر است که بر اساس این ملاک مدل باید نشانگرهای متغیرهای مکنون درون‌زای انعکاسی را پیش‌بینی کند. مقادیر Q2 بالای صفر نشان می‌دهد که مقادیر مشاهده‌شده خوب بازسازی شده‌اند و مدل توانایی پیش‌بینی دارد (Guerrero & Urbano, 2019). مقادیر Q2 به‌دست‌آمده برای متغیر توانمندسازی زنان روستایی برابر است با ۰/۶۶۷ هست جدول ۹ که نشان از کیفیت مناسب مدل ساختاری در پیش‌بینی کردن دارد.

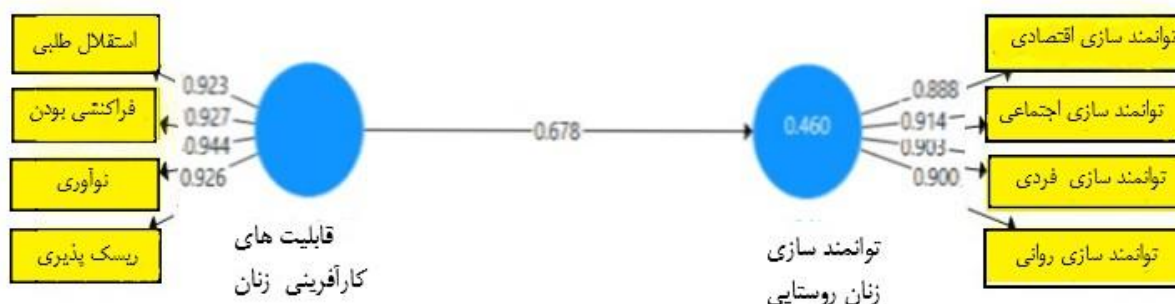
جدول ۹. شاخص‌های ارزیابی مدل ساختاری

متغیر	ضریب تعیین	Q2
توانمندسازی زنان روستایی	۰/۴۶۰	۰/۳۳۷

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

شاخص دیگری که مورد بررسی قرار گرفت، شاخصی بنام اندازه اثر f^2 (اندازه اثر کوهن^۱) بود. این شاخص توان تبیین‌کنندگی مدل را مورد بررسی قرار می‌دهد. طبق نظر کوهن Cohen, 1988 مقادیر در نظر گرفته شده ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ به ترتیب اندازه‌های اثر ضعیف، متوسط و قوی یک سازه بر سازه‌ی دیگر است. نتایج بررسی شاخص f^2 در جدول ۱۰ گزارش شده است. گام بعدی ارزیابی ضرایب مسیر و معناداری روابط بین متغیرها در مدل ساختاری است. نتایج مدل معادله ساختاری فرض‌های تدوین شده این پژوهش را حمایت کرد. شکل ۲ مدل معادله ساختاری تحقیق را در حالت استاندارد نشان می‌دهد.

¹ Effect Size Cohen



شکل ۲. مدل معادلات ساختاری تحقیق در حالت استاندارد
مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

جدول ۱۰. نتایج بررسی اثرات بین متغیرهای تحقیق

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب مسیر	آماره t	سطح معناداری	f2
ابعاد قابلیت‌های کارآفرینی	توانمندسازی زنان روستایی	۰/۶۷۸	۱۳/۴۴۸	۰/۰۰۱	۰/۸۵۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش

درنهایت پس از بررسی شاخص‌های متعدد در خصوص ارزیابی هر یک از بخش‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری (اعم از مدل بیرونی و مدل درونی)، هیر و همکاران (Hair et al., 2021) جهت ارزیابی کلی مدل، معیاری را تحت عنوان شاخص اصلی نیکویی برازش در مدل‌سازی معادلات ساختاری در رویکرد واریانس محور معرفی کردند که در اصطلاح به ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد شده^۱ مرسوم است. نقطه برش در این شاخص کمتر از ۰/۰۸ در نظر گرفته شده است که در این پژوهش مقدار به دست آمده برای ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد شده ۰/۰۷۰ می‌باشد که نشان می‌دهد مدل تحقیق از برازش مناسبی برخوردار است.

مطابق با نتایج ارائه شده در جدول ۱۰ و شکل ۲، ضریب مسیر بین سازه «قابلیت‌های کارآفرینی زنان روستایی» و سازه «توانمندسازی زنان روستایی» برابر با ۰/۶۷۸ به دست آمد که بیانگر اثر مثبت و نسبتاً قوی قابلیت‌های کارآفرینی بر توانمندسازی زنان روستایی شهرستان رامهرمز است. همچنین مقدار آماره t برای این مسیر برابر با ۱۳/۴۴۸ و سطح معناداری آن ۰/۰۰۱ بود؛ بنابراین، با توجه به بزرگ‌تر بودن آماره t از ۱/۹۶ و کمتر بودن سطح معناداری از ۰/۰۵، این رابطه از نظر آماری معنادار است و فرضیه اصلی پژوهش تأیید می‌شود.

لازم به ذکر است که در این پژوهش، «قابلیت‌های کارآفرینی» به صورت یک سازه چندبعدی و بر پایه چهار بعد استقلال طلبی، نوآوری، ریسک‌پذیری و فراکنشی بودن سنجیده شده است. همچنین «توانمندسازی زنان روستایی» نیز بر اساس چهار بعد فردی، اقتصادی، اجتماعی و روانی عملیاتی و اندازه‌گیری شده است. از این رو، تفسیر نتیجه حاضر بدین معناست که هرچه زنان روستایی مورد مطالعه از نظر استقلال در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، گرایش به نوآوری، آمادگی برای پذیرش ریسک و پیش‌فعالی در شناسایی و بهره‌گیری از فرصت‌ها در سطح بالاتری قرار داشته باشند، به همان نسبت در ابعاد مختلف توانمندسازی، شامل توانایی مدیریت زندگی، بهبود وضعیت و ثبات اقتصادی، مشارکت اجتماعی و احساس ارزشمندی و خودباوری، وضعیت مطلوب‌تری خواهند داشت.

به بیان دقیق‌تر، اثر معنادار مشاهده شده در مدل ساختاری نشان می‌دهد که ارتقای قابلیت‌های کارآفرینی، آن‌گونه که در گویه‌های پرسشنامه این پژوهش سنجیده شده است، با افزایش سطح توانمندسازی زنان روستایی در ابعاد فردی، اقتصادی، اجتماعی و روانی همراه است. بنابراین، یافته حاضر صرفاً بیانگر یک رابطه کلی نیست، بلکه نشان می‌دهد مجموعه ویژگی‌های کارآفرینانه سنجش شده در این مطالعه می‌تواند زمینه تقویت ابعاد مختلف توانمندی زنان روستایی شهرستان رامهرمز را فراهم سازد.

¹ SRMR

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های این پژوهش نشان داد که قابلیت‌های کارآفرینی زنان روستایی، متشکل از ابعاد استقلال‌طلبی، نوآوری، ریسک‌پذیری و فراکنشی بودن، تأثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی زنان روستایی شهرستان رامهرمز دارد و این تأثیر از نظر آماری در سطحی قابل قبول و از نظر تحلیلی در سطحی قابل توجه ارزیابی می‌شود. ضریب مسیر به‌دست‌آمده برای اثر قابلیت‌های کارآفرینی بر توانمندسازی زنان روستایی برابر با ۰٫۶۷۸ بود که از وجود رابطه‌ای نسبتاً قوی و مستقیم میان این دو سازه حکایت دارد. به بیان روشن‌تر، هر اندازه زنان روستایی مورد مطالعه از حیث روحیه استقلال در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، تمایل به نوآوری، آمادگی برای پذیرش ریسک‌های حساب‌شده و توان پیش‌فعالی در شناسایی و بهره‌گیری از فرصت‌ها در وضعیت مطلوب‌تری قرار داشته‌اند، به همان میزان در ابعاد فردی، اقتصادی، اجتماعی و روانی توانمندسازی نیز در سطح بالاتری قرار گرفته‌اند. این یافته، از یک‌سو، مبانی نظری پژوهش را تأیید می‌کند و از سوی دیگر نشان می‌دهد که کارآفرینی برای زنان روستایی صرفاً یک فعالیت درآمدزا نیست، بلکه فرآیندی چندبعدی است که می‌تواند هم‌زمان به تقویت عاملیت فردی، ارتقای موقعیت اجتماعی، بهبود توان تصمیم‌گیری و افزایش احساس ارزشمندی آنان منجر شود.

اهمیت این نتیجه زمانی آشکارتر می‌شود که آن را در بستر اجتماعی و اقتصادی شهرستان رامهرمز تفسیر کنیم. در جوامع روستایی این شهرستان، همانند بسیاری از نواحی روستایی ایران، ساختار معیشت هنوز تا حد زیادی بر فعالیت‌های خرد، مشاغل خانگی، تولیدات کوچک‌مقیاس، کشاورزی سنتی و ظرفیت‌های محدود بازار محلی استوار است. در چنین فضایی، توانمندسازی زنان الزاماً از مسیر اشتغال رسمی و ساختارهای گسترده اقتصادی عبور نمی‌کند، بلکه غالباً از مسیر توسعه قابلیت‌هایی حاصل می‌شود که به زنان امکان می‌دهد در همان بستر محلی، از فرصت‌های کوچک اما واقعی استفاده کنند. از این منظر، اثر معنادار قابلیت‌های کارآفرینی بر توانمندسازی زنان روستایی در رامهرمز را باید محصول پیوند میان ویژگی‌های فردی کارآفرینانه و نیازهای انضمامی زندگی روستایی دانست. زنانی که در این بستر می‌آموزند مستقل‌تر تصمیم بگیرند، ایده‌های تازه را به کار گیرند، در مواجهه با نااطمینانی عقب‌نشینی نکنند و پیش از دیگران فرصت‌ها را شناسایی کنند، عملاً از وضعیت کنش‌پذیری صرف خارج می‌شوند و به کنشگرانی فعال در اقتصاد خانواده و جامعه محلی تبدیل می‌گردند. بنابراین، توانمندسازی مشاهده‌شده در این پژوهش بیش از آنکه صرفاً بازتاب افزایش درآمد باشد، نشانه تقویت موقعیت زنان در عرصه انتخاب، کنترل، مشارکت و خودباوری است.

یافته‌های توصیفی پژوهش نیز این تفسیر را تقویت می‌کند. مشارکت ۷۲٫۷ درصدی پاسخ‌گویان در فعالیت‌های اقتصادی یا تولیدی نشان می‌دهد که زنان روستایی رامهرمز نه در حاشیه اقتصاد محلی، بلکه در متن آن حضور دارند. همچنین شرکت ۶۶ درصد از آنان در دوره‌های آموزشی مرتبط با کارآفرینی بیانگر آن است که زمینه ذهنی و تجربی برای پذیرش و توسعه کارآفرینی تا حد زیادی در جامعه هدف وجود دارد. از سوی دیگر، گزارش ۶۴٫۷ درصد از پاسخ‌گویان مبنی بر افزایش زیاد توانایی تصمیم‌گیری در مسائل زندگی شخصی و اقتصادی و نیز آشنایی بسیار زیاد ۶۸٫۷ درصدی با مفهوم توانمندسازی، نشان می‌دهد که فرایند توانمندسازی در این منطقه تنها به پیامدهای اقتصادی محدود نشده، بلکه ابعاد ادراکی، شناختی و روانی آن نیز در حال شکل‌گیری و تقویت است. این نکته از لحاظ تحلیلی بسیار مهم است؛ زیرا نشان می‌دهد میان تجربه مشارکت اقتصادی و تحول در برداشت زنان از خود، نقش و توان تصمیم‌گیری‌شان رابطه‌ای معنادار برقرار شده است. به عبارت دیگر، کارآفرینی در این منطقه نه تنها به عنوان شیوه‌ای برای کسب درآمد، بلکه به منزله سازوکاری برای بازتعریف هویت اجتماعی و اقتصادی زنان در حال عمل است.

در عین حال، یافته‌های پژوهش نشان داد که این فرایند با موانع مهمی نیز روبه‌روست. سه مانع اصلی از دید پاسخ‌گویان شامل کمبود سرمایه، نداشتن مهارت کافی و عدم دسترسی به بازار بوده است. این سه مانع از حیث نظری و کاربردی قابل تأمل‌اند؛ زیرا نشان می‌دهند که هرچند قابلیت‌های کارآفرینی می‌توانند توانمندسازی زنان را تقویت کنند، اما این رابطه در خلأ نهادی و ساختاری اتفاق نمی‌افتد. به بیان دیگر، زن روستایی ممکن است از نظر انگیزه، نوآوری، استقلال و پیش‌فعالی در سطح مطلوبی قرار داشته باشد، اما اگر به منابع مالی، آموزش کاربردی و بازار مناسب دسترسی نداشته باشد، ظرفیت‌های او یا بالفعل

نمی‌شود یا در مقیاسی محدود باقی می‌ماند. از این رو، نتایج این پژوهش به‌طور ضمنی بر این نکته نیز دلالت دارد که توانمندسازی زنان روستایی حاصل برهم‌کنش قابلیت‌های فردی و بسترهای حمایتی است. این همان جایی است که نقش سیاست‌گذاری، نهادهای محلی، نظام ترویج، تسهیلات مالی و سازوکارهای بازاریابی برجسته می‌شود.

نتیجه اصلی پژوهش حاضر با بخش قابل توجهی از مطالعات پیشین همسو است. برای نمونه، یافته این پژوهش با نتایج راتی و یاداو (Yadav & Rathee, 2018) هم‌راستا است؛ آن‌ها نشان دادند که بخش عمده کسب‌وکارهای زنان روستایی در هند در قالب کسب‌وکارهای خرد شکل گرفته و همین کسب‌وکارهای خرد نقش مهمی در توانمندسازی اقتصادی مناطق روستایی ایفا می‌کنند. همسویی این یافته با پژوهش حاضر از آن جهت قابل انتظار است که در رامهرمز نیز بافت اقتصاد زنان روستایی عمدتاً بر فعالیت‌های خرد و کوچک‌مقیاس استوار است. بنابراین، در هر دو مطالعه، کارآفرینی نه در قالب بنگاه‌های بزرگ، بلکه در قالب فعالیت‌های کوچک اما مستمر و متکی بر ظرفیت‌های محلی عمل می‌کند. چرایی این همسویی را می‌توان در ماهیت اقتصاد روستایی جست‌وجو کرد؛ اقتصادی که در آن فرصت‌های سرمایه‌بر و صنعتی محدود است و در نتیجه، زنان بیشتر از طریق مشاغل خرد، خانگی، فرآوری محصولات، صنایع دستی، فروش محلی و فعالیت‌های مکمل معیشت خانوار وارد عرصه اقتصادی می‌شوند. به همین دلیل، توسعه قابلیت‌های کارآفرینانه در چنین محیطی اثر مستقیمی بر توانمندسازی می‌گذارد. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج احمد (Ahmad, 2019) نیز همخوانی دارد. احمد بر این نکته تأکید کرد که کارآفرینی زنان روستایی، به‌ویژه در قالب فعالیت‌های سازگار با محیط و مبتنی بر مهارت‌های بومی، می‌تواند به توسعه اجتماعی، کاهش فقر و ارتقای خوداتکایی اقتصادی منجر شود. در پژوهش حاضر نیز مشاهده شد که کارآفرینی زنان روستایی با ابعاد اجتماعی و روانی توانمندسازی پیوندی معنادار دارد و زنان دارای قابلیت‌های کارآفرینانه بالاتر، از احساس ارزشمندی، مشارکت اجتماعی و قدرت تصمیم‌گیری بیشتری برخوردارند. علت این همسویی آن است که کارآفرینی در جوامع روستایی معمولاً صرفاً به کسب سود فردی محدود نمی‌شود، بلکه آثار سرریز اجتماعی دارد. وقتی زن روستایی وارد فعالیت اقتصادی می‌شود، هم نقش او در خانواده بازتعریف می‌شود، هم شبکه ارتباطی او توسعه می‌یابد، هم الگوی تازه‌ای برای سایر زنان ایجاد می‌گردد و هم سطح مشارکت او در امور جمعی افزایش می‌یابد. از این رو، یافته حاضر با ادبیاتی که کارآفرینی را یک پدیده اجتماعی - اقتصادی می‌داند، سازگاری کامل دارد.

نتایج این مطالعه همچنین با یافته‌های وایراوان و کاویتا (Vairavan & Kavitha, 2021) قابل مقایسه است. آنان نشان دادند که زنان کارآفرین روستایی، با وجود فعالیت در مقیاس‌های خرد، سهم معناداری در توسعه اقتصادی پایدار، ایجاد اشتغال برای سایر زنان و بهبود وضعیت خانواده و جامعه دارند. در پژوهش حاضر نیز هرچند تمرکز بر رابطه قابلیت‌های کارآفرینی و توانمندسازی بود، اما بر پایه ابعاد سنجش شده می‌توان استنباط کرد که اثر کارآفرینی فراتر از سطح فردی بوده و به تغییر در موقعیت زنان در خانواده و اجتماع منجر شده است. وجه اشتراک این دو نتیجه در آن است که کارآفرینی زنان روستایی نه تنها یک راهبرد معیشتی، بلکه یک سازوکار توسعه محلی محسوب می‌شود. با این حال، در مطالعه حاضر تأکید بیشتری بر نقش ویژگی‌های درونی و رفتاری زنان، مانند نوآوری و فراکنشی بودن، در ایجاد این پیامدها وجود دارد؛ امری که آن را از پژوهش‌هایی که بیشتر بر نتایج اقتصادی متمرکز بوده‌اند، متمایز می‌سازد.

یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج گهاوس و همکاران (Ghouse et al., 2021) نیز از جنبه‌ای دیگر هم‌راستا است. آن‌ها در مطالعه خود بر مشکلات خانوادگی، سازمانی، جغرافیایی، قانونی و مالی زنان کارآفرین روستایی تأکید کردند و نشان دادند که برای پایداری کارآفرینی زنان، حمایت جامع سیاستی ضروری است. در پژوهش حاضر نیز کمبود سرمایه، ضعف مهارتی و محدودیت دسترسی به بازار به‌عنوان موانع اصلی شناسایی شد. همسویی این دو دسته یافته نشان می‌دهد که حتی زمانی که اثر قابلیت‌های کارآفرینی بر توانمندسازی اثبات می‌شود، موانع ساختاری همچنان می‌توانند شدت و دامنه این اثر را محدود کنند. چرایی این وضعیت آن است که توانمندسازی زنان روستایی یک پدیده صرفاً فردمحور نیست؛ بلکه در بستری از محدودیت‌ها و فرصت‌های نهادی، فرهنگی و زیرساختی شکل می‌گیرد. بنابراین، اگرچه تقویت قابلیت‌های فردی شرط لازم است، شرط کافی برای تحقق کامل توانمندسازی نیست.

از منظر مطالعات جدیدتر، نتایج پژوهش حاضر با چاندرا و همکاران (Chandra et al., 2024) نیز سازگار است. آنان کارآفرینی را مسیری نیرومند برای استقلال اقتصادی، ارتقای قدرت تصمیم‌گیری و تغییرات اجتماعی زنان روستایی دانسته‌اند. در پژوهش حاضر نیز ابعاد فردی، اقتصادی، اجتماعی و روانی توانمندسازی همگی تحت تأثیر قابلیت‌های کارآفرینی قرار گرفتند. به‌ویژه در زمینه افزایش توان تصمیم‌گیری و تقویت احساس مفید بودن، همسویی آشکاری میان نتایج وجود دارد. این مشابهت نشان می‌دهد که در بافت‌های روستایی مختلف، با وجود تفاوت‌های فرهنگی و اقتصادی، سازوکار اصلی اثر کارآفرینی بر زنان تا حد زیادی مشابه است: کارآفرینی به زن امکان می‌دهد از جایگاه دریافت‌کننده منفعل تصمیمات، به جایگاه مشارکت‌کننده و گاه تصمیم‌ساز ارتقا یابد.

در میان مطالعات داخلی نیز یافته‌های این پژوهش با نتایج رفیعی و همکاران (Rafiee et al., 2015) قابل توجه است. آنان نشان دادند که زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، مانند تحصیلات، شرکت در کارگاه‌ها، دریافت مشاوره، حمایت خانواده، عضویت در گروه‌ها و اعتماد اجتماعی، بیشترین تأثیر را بر توانمندی زنان دارند. این نتیجه با داده‌های توصیفی پژوهش حاضر، به‌ویژه در خصوص مشارکت نسبتاً بالای زنان در دوره‌های آموزشی و نیز بهبود توان تصمیم‌گیری آنان، هماهنگ است. به نظر می‌رسد بخشی از اثر قابلیت‌های کارآفرینی در رامهرمز از طریق همین تقویت سرمایه فرهنگی و اجتماعی عمل کرده باشد. به عبارت دیگر، قابلیت کارآفرینی در خلأ شکل نمی‌گیرد، بلکه در ارتباط با یادگیری، تجربه جمعی، مشاوره، الگوپذیری و حمایت‌های اجتماعی تقویت می‌شود. از این رو، چرایی اثرگذاری بالای قابلیت‌های کارآفرینی در این مطالعه را می‌توان تا حدی در وجود همین زمینه‌های آموزشی و اجتماعی جست‌وجو کرد.

نتایج پژوهش حاضر همچنین با مطالعه رضایی مقدم و گلکارفرد (Rezaei- & Golkar Fard, 2019) Moghaddam همخوان است؛ آن‌ها نشان دادند که میان توانمندسازی زنان و خلاقیت، روحیه و دانش کارآفرینی، فضای کسب‌وکار و ارتباط با مراکز اطلاعاتی رابطه مثبت وجود دارد و روحیه کارآفرینی بیشترین نقش را در پیش‌بینی توانمندسازی دارد. این نتیجه به‌طور مستقیم با یافته کنونی هماهنگ است؛ زیرا در پژوهش حاضر نیز سازه قابلیت‌های کارآفرینی که متشکل از ابعاد رفتاری و نگرشی مهمی چون نوآوری، استقلال و فراکنشی بودن است، توانسته بخش قابل توجهی از تغییرات توانمندسازی زنان روستایی را تبیین کند. دلیل این همسویی آن است که روحیه و قابلیت کارآفرینانه، پیش از آنکه صرفاً به منابع بیرونی وابسته باشد، از نوعی آمادگی روان‌شناختی و رفتاری برای عمل اقتصادی ناشی می‌شود. هنگامی که این آمادگی در زنان شکل می‌گیرد، حتی در شرایط محدود نیز امکان بهره‌برداری بهتر از منابع موجود افزایش می‌یابد.

از سوی دیگر، نتایج این پژوهش با یافته‌های نوروزی نژادو یاسوری (Noroozinezhad & Yasouri, 2021) و احمدی سنور و دیگران (Ahmadi-Senur et al., 2019) و نیز همسو است؛ هر دو مطالعه بر چندبعدی و پویا بودن توسعه کارآفرینی زنان روستایی و لزوم توجه هم‌زمان به عوامل فردی، اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و نهادی تأکید دارند. پژوهش حاضر نیز دقیقاً نشان داد که توانمندسازی زنان روستایی محصول یک بعد واحد نیست، بلکه از رهگذر تعامل مجموعه‌ای از قابلیت‌ها و شرایط حاصل می‌شود. به همین دلیل، تأثیر قابلیت‌های کارآفرینی بر توانمندسازی را نباید به صورت تقلیل‌گرایانه فقط به افزایش درآمد فروکاست. این قابلیت‌ها در عین حال که می‌توانند موجب بهبود وضعیت اقتصادی شوند، در سطحی عمیق‌تر به بازسازی احساس توانستن، جرئت اقدام، اعتماد به نفس و مشارکت اجتماعی نیز منجر می‌شوند.

در کنار این همسویی‌ها، لازم است به یک نکته تحلیلی مهم نیز اشاره شود و آن این است که شدت اثر مشاهده‌شده در این پژوهش ممکن است در برخی زمینه‌ها حتی از بعضی مطالعات پیشین پررنگ‌تر به نظر برسد. این تفاوت احتمالی را می‌توان با چند عامل توضیح داد. نخست آنکه در این پژوهش، قابلیت‌های کارآفرینی به صورت یک سازه چندبعدی و منسجم سنجیده شده و هم‌زمان چهار بعد اصلی آن وارد مدل شده است؛ از این رو، اثر برآوردشده صرفاً اثر یک مؤلفه منفرد نیست، بلکه حاصل اثر جمعی مجموعه‌ای از ویژگی‌های کارآفرینانه است. دوم آنکه در رامهرمز، به دلیل محدود بودن فرصت‌های رسمی اشتغال برای زنان، هرگونه تقویت قابلیت‌های کارآفرینی احتمالاً اثر ملموس‌تری بر زندگی روزمره و احساس توانمندی آنان بر جای می‌گذارد. سوم آنکه بالا بودن نسبی مشارکت اقتصادی و آموزشی در میان پاسخ‌گویان می‌تواند نشانگر آن باشد که جامعه مورد مطالعه از یک آمادگی اولیه برای تبدیل قابلیت‌ها به پیامدهای توانمندساز برخوردار بوده است. بنابراین، چرایی اثر نسبتاً قوی مشاهده‌شده

را باید در پیوند میان شرایط محلی، ساختار معیشت، محدودیت فرصت‌های جایگزین و آمادگی نسبی زنان برای ورود به کنش اقتصادی جست‌وجو کرد.

در تفسیر یافته‌ها باید به این نکته نیز توجه داشت که ابعاد چهارگانه قابلیت‌های کارآفرینی هر یک به شیوه‌ای خاص بر ابعاد توانمندسازی اثر می‌گذارند. استقلال‌طلبی احتمالاً بیش از همه با بعد فردی و اقتصادی توانمندسازی پیوند دارد؛ زیرا زنانی که در تصمیم‌گیری‌های مالی و اقتصادی استقلال بیشتری احساس می‌کنند، توان بیشتری برای مدیریت زندگی و مشارکت در تصمیم‌های خانوادگی به دست می‌آورند. نوآوری می‌تواند هم در بعد اقتصادی و هم در بعد اجتماعی اثرگذار باشد؛ چون ارائه ایده‌های تازه، بهبود روش‌های تولید و فروش و تمایز از دیگران نه تنها درآمد و پایداری فعالیت را تقویت می‌کند، بلکه جایگاه اجتماعی زن را نیز در جامعه محلی ارتقا می‌دهد. ریسک‌پذیری حساب‌شده عمدتاً زمینه عبور از محافظه‌کاری معیشتی و ورود به فرصت‌های جدید را فراهم می‌سازد و از این طریق با بعد روانی توانمندسازی، از جمله اعتماد به نفس و احساس توانستن، پیوند پیدا می‌کند. فراکنشی بودن نیز به زن امکان می‌دهد پیش از وقوع مشکلات یا پیش از اشباع فرصت‌ها اقدام کند و در نتیجه در فضای رقابتی محلی از موقعیت بهتری برخوردار شود. بنابراین، نتیجه اصلی پژوهش در واقع بازتاب عملکرد یک نظام قابلیت‌ساز است که ابعاد مختلف آن به صورت هم‌افزا بر توانمندسازی زنان اثر گذاشته‌اند.

در عین حال، ضریب تعیین ۰,۴۶۰ نشان می‌دهد که قابلیت‌های کارآفرینی توانسته‌اند بخش قابل توجهی از واریانس توانمندسازی زنان روستایی را تبیین کنند، اما تمام آن را توضیح نمی‌دهند. این نکته از نظر علمی مهم است؛ زیرا روشن می‌سازد که توانمندسازی زنان روستایی مفهومی چندعلتی است و علاوه بر قابلیت‌های کارآفرینی، از متغیرهای دیگری چون حمایت‌های نهادی، ساختار خانواده، میزان دسترسی به منابع، شرایط فرهنگی، زیرساخت‌های محلی، شبکه‌های اجتماعی، بازار، آموزش‌های تخصصی و سیاست‌های عمومی نیز تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، نتیجه پژوهش حاضر را باید در چارچوبی متوازن تفسیر کرد؛ قابلیت‌های کارآفرینی محرک مهم و معنادار توانمندسازی هستند، اما برای تحقق کامل آن، به یک محیط پشتیبان و ساختارهای تسهیل‌گر نیز نیاز است. این برداشت با ادبیات جدید توانمندسازی نیز سازگار است که تأکید می‌کند توانمندسازی نه یک دستاورد صرفاً فردی، بلکه برآیند تعامل میان «عاملیت» و «ساختار» است.

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که در شهرستان رامهرمز، کارآفرینی زنان روستایی نه یک پدیده حاشیه‌ای، بلکه ظرفیتی راهبردی برای توسعه محلی است. زنان مورد مطالعه نشان داده‌اند که از آمادگی ذهنی، تجربه مشارکت اقتصادی و سطحی از آگاهی نسبت به مفهوم توانمندسازی برخوردارند؛ با این حال، استمرار و تعمیق این فرایند در گرو آن است که موانع ساختاری موجود برطرف شود. از این منظر، مهم‌ترین دلالت کاربردی نتایج پژوهش آن است که سیاست‌های مرتبط با زنان روستایی نباید فقط بر حمایت‌های معیشتی کوتاه‌مدت یا آموزش‌های عمومی غیرهدفمند متمرکز شوند، بلکه باید به سمت تقویت مستقیم قابلیت‌های کارآفرینی و هم‌زمان رفع تنگناهای نهادی حرکت کنند. به بیان دیگر، آنچه از نتایج مدل برمی‌آید این است که سرمایه‌گذاری بر استقلال تصمیم‌گیری اقتصادی زنان، آموزش نوآوری در فعالیت‌های بومی، تقویت ریسک‌پذیری آگاهانه و افزایش روحیه پیش‌فعالی، می‌تواند به صورت ملموس سطح توانمندسازی آنان را ارتقا دهد؛ اما این سرمایه‌گذاری زمانی بیشترین بازده را خواهد داشت که با تسهیلات مالی، دسترسی به بازار، آموزش‌های کاربردی و شبکه‌های حمایتی همراه باشد.

در نتیجه، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی ویژه زنان روستایی در رامهرمز از شکل کلی و نظری صرف خارج شده و به سمت آموزش‌های مهارت‌محور، مسئله‌محور و متناسب با واقعیت‌های اقتصادی منطقه سوق یابد. این آموزش‌ها باید به‌طور خاص بر پرورش ایده‌پردازی، بهبود مهارت‌های فروش، بسته‌بندی، بازاریابی محلی و دیجیتال، مدیریت مالی خرد، شناخت بازار و تبدیل فرصت‌های بومی به فعالیت اقتصادی پایدار تمرکز کنند. همچنین لازم است نهادهای مسئول، به‌ویژه جهاد کشاورزی، فرمانداری، بخشداری‌ها، نهادهای حمایتی، صندوق‌های اعتباری خرد و نهادهای توسعه روستایی، سازوکارهایی برای اعطای تسهیلات کم‌بهره و آسان‌دسترس به زنان کارآفرین فراهم کنند؛ زیرا مطابق یافته‌های پژوهش، کمبود سرمایه همچنان مهم‌ترین مانع راه‌اندازی یا توسعه کسب‌وکار زنان است. علاوه بر آن، ایجاد بازارچه‌های محلی و منطقه‌ای، توسعه زنجیره‌های فروش، تسهیل دسترسی به نمایشگاه‌ها، استفاده از بسترهای مجازی برای عرضه محصولات و ایجاد پیوند میان زنان تولیدکننده و شبکه‌های توزیع، از جمله اقداماتی است که می‌تواند شکاف میان تولید و بازار را کاهش دهد.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه بخشی از توانمندسازی مشاهده‌شده ماهیتی اجتماعی و روانی دارد، مداخلات اجرایی نباید فقط اقتصادی باشند. تقویت اعتماد به نفس، ارتقای منزلت اجتماعی زنان کارآفرین، معرفی الگوهای موفق محلی، تشکیل گروه‌ها و تعاونی‌های زنان، ایجاد شبکه‌های یادگیری هم‌تا به هم‌تا و افزایش حضور زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری محلی، می‌تواند آثار کارآفرینی را عمیق‌تر و پایدارتر کند. این موضوع به‌ویژه در جوامع روستایی اهمیت دارد که در آن‌ها هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان حضور و اثرگذاری زنان دارند. هرچه زنان بیشتر در قالب شبکه‌های جمعی و ساختارهای تعاونی سازمان یابند، امکان غلبه بر محدودیت‌های فردی و خانوادگی، دسترسی به منابع مشترک و افزایش قدرت چانه‌زنی آنان بیشتر خواهد شد. بنابراین، یکی از پیشنهاد‌های مهم مبتنی بر نتایج مدل آن است که توسعه کارآفرینی زنان در رامهرمز با رویکرد فردی صرف دنبال نشود، بلکه در قالب خوشه‌های محلی، تعاونی‌ها و شبکه‌های پشتیبان اجتماعی تقویت گردد.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که پژوهش حاضر به‌روشنی نشان داد قابلیت‌های کارآفرینی یکی از پیشران‌های اصلی توانمندسازی زنان روستایی شهرستان رامهرمز است و هرچه این قابلیت‌ها در زنان تقویت شود، زمینه بهبود وضعیت آنان در ابعاد فردی، اقتصادی، اجتماعی و روانی فراهم‌تر می‌گردد. این نتیجه هم با مبانی نظری پژوهش و هم با بخش مهمی از مطالعات داخلی و خارجی سازگار است و در عین حال با برجسته کردن بستر محلی رامهرمز، تبیینی زمینه‌مند از چرایی این رابطه ارائه می‌دهد. زنان روستایی این شهرستان از ظرفیت مناسبی برای ورود و ماندگاری در فعالیت‌های کارآفرینانه برخوردارند، اما برای تبدیل این ظرفیت به توانمندسازی پایدار، باید هم‌زمان دو مسیر دنبال شود: نخست، تقویت مستقیم مؤلفه‌های کارآفرینانه مانند استقلال‌طلبی، نوآوری، ریسک‌پذیری و فراکنشی بودن؛ و دوم، کاهش موانع ساختاری مانند کمبود سرمایه، ضعف مهارتی و محدودیت دسترسی به بازار. بر این اساس، هرگونه سیاست‌گذاری مؤثر در حوزه زنان روستایی باید از نگاه تک‌بعدی فاصله بگیرد و به‌جای تمرکز صرف بر اشتغال‌زایی، کارآفرینی را به‌عنوان راهبردی چندبعدی برای توسعه انسانی، اجتماعی و اقتصادی زنان در نظر بگیرد. تنها در چنین صورتی است که می‌توان انتظار داشت توانمندسازی زنان روستایی از سطح یک تجربه محدود فردی فراتر رود و به یک فرایند پایدار در توسعه محلی و ارتقای کیفیت زندگی در جوامع روستایی تبدیل شود.

References

1. Abbaszadeh, M., Boudaghi, A., & Aghdasi Alamdari, F. (2012). *Empowerment of women heads of households with emphasis on indigenous solutions*. In Proceedings of the National Conference on Empowerment with the Approach of Economic Jihad in the Imam Khomeini Relief Committee (pp. 139–163). Tehran, Iran. (In Persian)
2. Ahlmeyer, F., & Volkmann, K. (2023). What can we expect for the development of rural areas in Europe?—Trends of the last decade and their opportunities for rural regeneration. *Sustainability*, 15(6), 1-17. <https://doi.org/10.3390/su15065485>
3. Ahmad, A. (2019). Eco-friendly women entrepreneurship in rural areas: A paradigm shift for societal uplift. *Jaipuria International Journal of Management Research*, 5(2), 41–47. <https://doi.org/10.22552/ijjmr/2019/v5/i2/189060>
4. Ahmadi-Senur, M., Kouhestani, H., Yadavari, H., & Shabanali-Fami, H. (2019). A meta-analysis of factors affecting the development of rural women's entrepreneurship. *Spatial Economics and Rural Development*, 8(27), 21–38. <http://serd.khu.ac.ir/article-1-3263-fa.html> (In Persian)
5. Alibaygi, A. and Taghibaygi, M. (2022). Influence of Rural Women's Entrepreneurship Capabilities on their Empowerment: A Case Study in Kermanshah Province. *Journal of Studies in Entrepreneurship and Sustainable Agricultural Development*, 9(4), 19-44. [doi: 10.22069/jead.2022.20653.1651](https://doi.org/10.22069/jead.2022.20653.1651) (In Persian)

6. Bedi, A. S., & Koirala, S. (2021). Assessing the impact of training on women's entrepreneurship in rural Nepal. *Journal of Development Studies*, 57(10), 1692–1710.
7. Bogam, R.R., Chavan, V. M., & Rani, C.U. (2023). Awareness and utilization of social welfare schemes among elderly villagers of Mahabubnagar rural region in Telangana State of India—An interventional study approach. *Journal of Family Medicine and Primary Care*, 12(9), 2058-2063. <https://B2n.ir/q57318>
8. Bouzarjomehri, K., & Masoumi, M. (2018). Surveying the barriers and challenges faced by women in the marketing of dairy products (Case study: Sarchehan village, Bavanat County). *Spatial Planning*, 8(3), 1–18. (In Persian)
9. Chandra, R., Sah, R., Mateen, B., & Pant, R. (2024). Women empowerment and entrepreneurship in rural communities in Uttarakhand, India. *International Journal of Scientific Research in Engineering and Management*, 08(03), 1–10. <https://doi.org/10.55041/IJSREM28983>
10. Cohen, J. (1988). *Statistical power analysis for the behavioral sciences* (2nd ed.). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
11. Conti, M., & Sivini, S. (2023). Small municipalities attracting rural newcomers and fostering local cohesion: Innovative approaches for rural regeneration in Italy. *Sustainability*. <https://doi.org/10.3390/su15075837>
12. Darayi, A., & Rezazadeh, A. (2014). *PLS Structural Equation Modeling with Software*. Tehran, Iran: Jihad Daneshgahi Publication.
13. Fink, M., Lang, R., & Richter, R. (2017). Social entrepreneurship in marginalised rural Europe: Towards evidence-based policy for enhanced social innovation. *Regions Magazine*, 306(1), 6–10. <https://doi.org/10.1080/13673882.2017.11878963>
14. Firouzabadi, S. A., Imani Jajarmi, H. and Dabbaghi, H. (2018). Rural Women's Cooperatives as a Potential for Social Entrepreneurship (Case Study: Mehr Afarin e Eram as a Rural Women's Cooperative). *Woman in Development & Politics*, 16(1), 149-173. doi: 10.22059/jwdp.2018.238461.1007241(In Persian)
15. Gavigan, S., Cooney, T. M., & Cipriakis, K. (2023). *Developing entrepreneurial skillsets amongst rural women in Uganda*. Journal of Enterprising Culture.
16. Gholipour, A., Rahimian, A., & Mirzamani, A. (2008). The role of formal education and organizational work in empowering women in Tehran. *Women in Development & Politics*, 6(3), 113–132. (In Persian)
17. Ghosh, D. (2017). Financial literacy and entrepreneurship in rural India: Impact and policy implications. *International Journal of Business and Economics*, 16(4), 53–65.
18. Ghouse, S. M., Durrah, O., & McElwee, G. (2021). Rural women entrepreneurs in Oman: Problems and opportunities. *International Journal of Entrepreneurial Behaviour & Research*, 27(7), 1674–1695. <https://doi.org/10.1108/IJEBR-03-2021-0209>
19. Golkar Fard, M., & Rezaei-Moghaddam, K. (2019). Relationship between entrepreneurship and empowerment dimensions of rural women in Fars Province. *Journal of Entrepreneurial Strategies in Agriculture*, 6(11), 1–10. <https://doi.org/10.29252/jea.6.11.1>(In Persian)
20. Guerrero, M., & Urbano, D. (2019). A research agenda for entrepreneurship and innovation: the role of entrepreneurial universities. *A Research Agenda for Entrepreneurship and Innovation*, 107. <https://doi.org/10.4337/9781788116015.00012>
21. Hair, J. F., Hult, G. T. M., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2021). *A primer on partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM)* (3rd ed.). Sage Publications.
22. Haugh, H.M., & Parady, W. (1999). Community entrepreneurship in north east Scotland. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 5(4), 163-172. <https://doi.org/10.1108/13552559910293119>
23. Hill, J., & Leat, M. (2017). Social entrepreneurship and rural community development: The role of micro-finance. *International Journal of Rural Management*, 13(1), 21–35.
24. Ibrahim, H. (2019). The role of social enterprises in the empowerment of women in rural communities in the Global South. *International Review of Sociology*, 29(2), 194–212.

25. Kanth, D., & Sinha, A. R. (2025). Sustainable entrepreneurship and business performance among rural women entrepreneurs: Investigating the influence of entrepreneurial intention, social innovation and government support. *Social Enterprise Journal*, 1–30. <https://doi.org/10.1108/SEJ-11-2024-0180>
26. Khosravi, M. A., Daheshyar, H., & Abtahi, S. (2013). The empowerment of women in making political decisions in national and international decision-making structures. *International Relations Studies Research Letter of International Relations*, 5(20), 99–132.
27. Klein, J. (2014). *Principles and applications of factor analysis*. New York, NY: Routledge.
28. Korsgaard, S., Müller, S., & Tanvig, H.W. (2015). Rural entrepreneurship or entrepreneurship in the rural – between place and space. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 21(1), 5–26. <https://doi.org/10.1108/IJEBr-11-2013-0205>
29. Kumar, A. (2017). *Women empowerment: Dimensions and indicators*. [Publisher/Journal not specified].
30. Kumari, P. (2024). Empowerment of rural women through entrepreneurial initiatives. *International Journal for Multidisciplinary Research*, 6(2).
31. Masoomi, E., Rezaei-Moghaddam, K., & Teixeira, A.A. (2023). Evolution, roots and influence of the rural entrepreneurship literature: A bibliometric account. *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*. <https://doi.org/10.1108/JEC-04-2022-0065>
32. Ministry of Agriculture Jihad. (2022). *Agricultural Statistics Yearbook of Khuzestan Province*. (In Persian)
33. Motiee Langaroudi, H., [Additional authors if available]. (2012). *Entrepreneurial capabilities and rural women empowerment*. [Journal/Publisher not specified]. (In Persian)
34. Office of Women and Family Affairs, Khuzestan Governorate. (2022). *Report on the status of women and families in Khuzestan*. <https://example.com/link-to-document> (In Persian)
35. Papzan, A., Khaledi, K., & Soleimani, A. (2011). An evaluation of handicrafts technical and vocational trainings of rural women. *Women and Society*, 2(7), 21–38. (In Persian)
36. Parveen, K. (2012). *NGOs and their role in development of science - In development of rural women entrepreneurship*.
37. Pato, L., & Teixeira, A.A.C. (2018). Rural Entrepreneurship: the Tale of a Rare Event. *Journal of Place Management and Development*, 11(1), 46–59. <https://doi.org/10.1108/JPMD-08-2017-0085>
38. Quispe Fernández, G. M., Giner-Pérez, J. M., Ayaviri, D., & Villa Villa, M. (2023). *Bibliometric studies on rural female entrepreneurship: A metabibliometric review*. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*, 12(4), 101. <https://doi.org/10.36941/ajis-2023-0098>
39. Rafiee, H., Choubchian, S., & Norouzi, A. A. (2015). Design and validation of an instrument for measuring the empowerment of rural women in Iran. *Agricultural Extension and Education Research*, 8(3), 23–42. (In Persian)
40. Rahman, F., & Soediro, T. (2022). Empowering women through entrepreneurship training: Evidence from rural communities in Indonesia. *International Journal of Business and Social Studies*, 12(1), 34–47.
41. Rana, S. (2017). Empowering rural women through entrepreneurship training programmes. *Asian Journal of Home Science*, 12(1), 155–158.
42. Rathee, V., & Yadav, R. (2018). Role of women entrepreneurs in economic empowerment of rural areas. *International Journal of Emerging Research in Management and Technology*, 6(12), 1. <https://doi.org/10.23956/ijermt.v6i12.29>
43. Rathidevi, R., & Jayaseeli, S. (2020). *Rural entrepreneurship through women in India*.
44. Ricket, A.L., Knutsen, F.B., Jolley, G.J., & Davis, S.C. (2022). Appalachian social entrepreneurship ecosystem: A framework for rural development. *Community Development*, 54(3), 315–336. <https://doi.org/10.1080/15575330.2022.2155676>
45. Roshannia, D., Khademi, R., Kordi, L., & Solhi Famasl, J. (2016). Investigating the role of rural women in development and its barriers and limitations. *Labor and Society*, 190, 82–98. (In Persian)

46. Saadi, H., Latifi, S., & Vedadi, E. (2012). Examining the issues and problems of rural girls in Hamadan Province. *Village and Development*, 15(1), 153–176. (In Persian)
47. Sanadgol, M., Asghari Lafmejani, S., Fazelnia, G. and Pirani, M. (2022). Physical and environmental constraints of entrepreneurship in the villages surrounding the border and Hamoon International Wetland (The study of District Ghorghori, Hirmand County). *Journal of Studies in Entrepreneurship and Sustainable Agricultural Development*, 9(2), 37-58. doi: 10.22069/jead.2022.19746.1552(In Persian)
48. Shabanov, V.L. (2023). Rural poverty as a way of life: A study based on time budget statistics. *Theory and Practice of Social Development*, 8, 38-43. <https://doi.org/24158/tipor.2023.8.3>
49. Singbo, A., Quarshies, J., Bonou, A., Lokossou, J., Fatondji, D., & Dandedjrohoun, L. (2023). Improving women's purchasing power through land-enhancing technologies: The case of bio-reclamation of degraded lands in Niger. *Frontiers in Sustainable Food Systems*, 6, 1-13. <https://doi.org/10.3389/fsufs.2022.1052987>
50. Soltani, Z., Goodarzi, M. and Mosavi, S. (2025). Rural Women's Entrepreneurship and Sustainable Agricultural Development: The Case of Food Product Industries in Ramhormoz County. *Village and Space Sustainable Development*, 6(2), 123-146. doi: 10.22077/vssd.2025.8608.1290(In Persian)
51. Statistical Center of Iran. (2021). *Population and Housing Census 1400*. Statistical Center of Iran. <https://www.amar.org.ir>(In Persian)
52. Sudiana, K., Sule, E. T., Soemaryani, I., & Yunizar, Y. (2020). The development and validation of the Penta Helix construct. *Verslas: Teorija ir Praktika / Business: Theory and Practice*, 21(1), 136–145. <https://doi.org/10.3846/btp.2020.11231>
53. Tarasi, Z., Karimzadeh, H. and Aghayarihir, M. (2020). Capacity Building in Rural Areas to Empower Women Case Study: Zanzan County. *Geography and Development*, 18(58), 203-224. doi: 10.22111/gdij.2020.5191(In Persian)
54. Vairavan, M., & Kavitha, K. (2021). Rural economic development through women entrepreneurship. *International Journal of Advanced Research in Science Communication and Technology*, 8(11). <https://doi.org/10.48175/IJARSCT-2090>
55. Vlasov, M., Polbitsyn, S.N., Olumekor, M., & Haddad, H. (2023). Exploring the role of socio-cultural factors on the development of human capital in multi-ethnic regions. *Sustainability*, 15(21), 1-14. <https://doi.org/10.3390/su152115438>
56. Winarti, A. (2017). *Entrepreneurial training oriented to rural women's empowerment*.
57. Yahya, M. P., Santoso, B., & Wanto, A. H. (2018). Implementasi Bantuan Pemerintah dalam Kementrian Koperasi dan UKM (Studi Pada Kabupaten Lombok Tengah). *Jurnal Profit*, 12(2), 31–38.
58. Yang, Y., Huang, Y., Huang, J., & Nie, F. (2024). The role of social capital in the impact of multiple shocks on households' coping strategies in underdeveloped rural areas. *Scientific Reports*, 14(1), 14218. <https://www.nature.com/articles/s41598-024-65206-x>
59. Yasoori, M. (2012). The role of NGOs in rural youths and women empowerment (Case of Ardogash village). *Journal of Studies of Human Settlement Planning*, 6(17), 44–60. (In Persian)
60. Yasouri, M. and Noroozinezhad, M. (2021). Qualitative meta-analysis of the dimensions of rural women entrepreneurship development. *Woman in Development & Politics*, 19(1), 21-41. doi: 10.22059/jwdp.2021.313046.1007905(In Persian)
61. Zhybak, M.M., & Khristenko, G.M. (2021). Rural green tourism as an innovative form of entrepreneurship. *Agrosvit*, 3, 3-8.